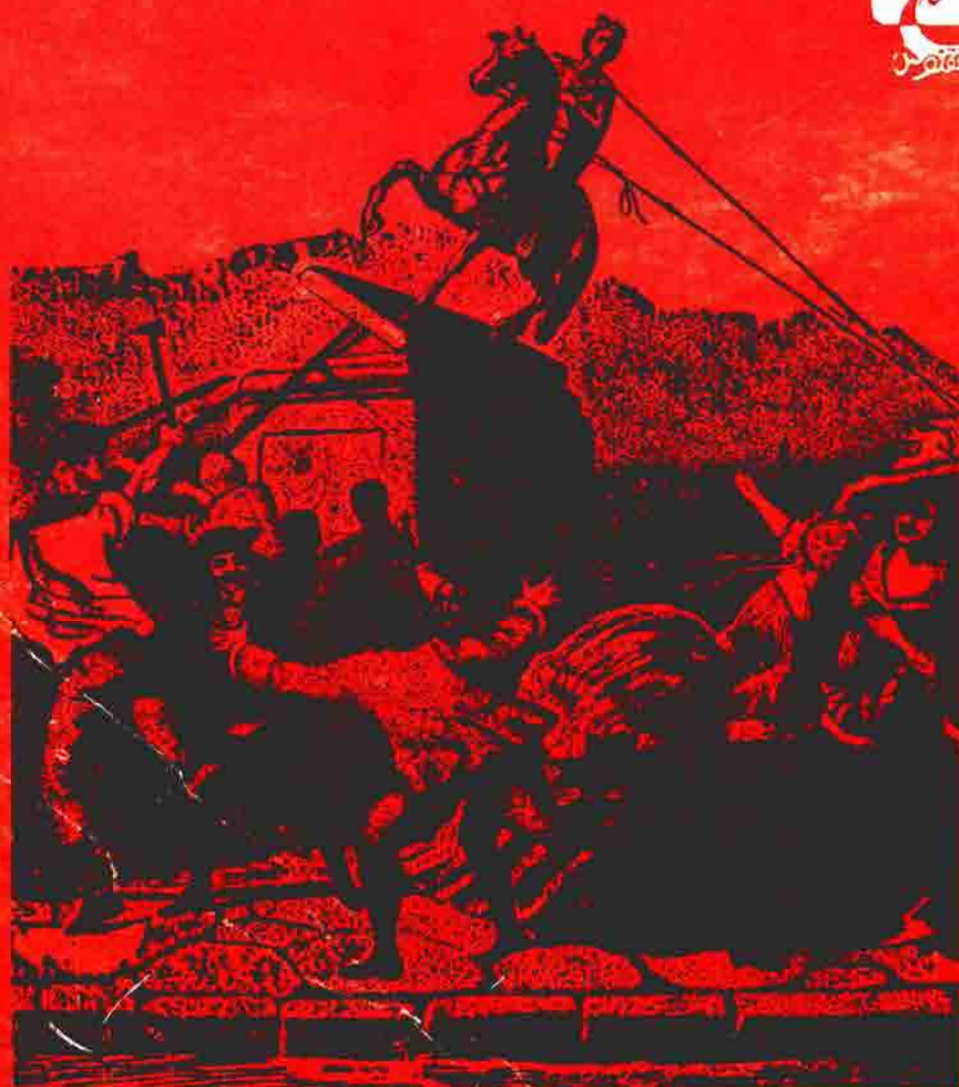


# انقلاب بورژوازی در انگلستان

یفیموف

ترجمه‌ی حسین محمدزاده



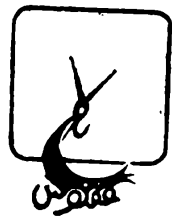
انقلاب بورژوازی در انگلستان

یفیموف

تاریخ جهان در عصر جدید

# انقلاب بورژوازی در انگلستان

تألیف و ترجمه، حسین محمد زاده



انقلاب بورژوازی در انگلستان

اثر یفیموف

ترجمه‌ی حسین محمدزاده

چاپ اول ۱۳۵۸

چاپخانه‌ی کاویان

حق چاپ محفوظ

انتشارات قنوس

تهران - شاهرضا، مقابل دانشگاه، بازار کتاب

## چند کلمه

کتاب حاضر ترجمه‌ی بخش نخست از کتاب «تاریخ جهان در عصر جدید» اثر یفیموف است که پس از پیشگفتاری در باب شناخت تاریخ تکامل جامعه، پیرامون انقلاب بورژوازی انگلستان وارد بحث می‌شود. اثر یفیموف به فارسی در سه بخش عرضه خواهد شد. در بخش دوم از «انقلاب کبیر فرانسه» و در بخش سوم از تأثیر انقلاب در کشورهای اروپایی و بیداری ملل آسیا و آفریقا در اواخر قرن نوزدهم سخن به میان خواهد آمد. امید است که این جزوه‌ها در دادن دید علمی از تاریخ دنیا به نوجوانان نقشی داشته باشد.

مترجم

پیشگفتار

جهان در آغاز قرون جدید

## ۱. از جامعه‌ی اشتراکی آغازین تا جامعه‌ی طبقاتی

می‌دانید که به دنبال جامعه‌ی اشتراکی نخستین بشری، جامعه‌ی طبقاتی یعنی جامعه‌ی برده‌داری و فئودالی پدید آمد.

جامعه‌ی اشتراکی آغازین، جامعه‌ی برده‌داری و جامعه‌ی فئودالی، سه پله‌ی نخستین تکامل جامعه‌ی بشری هستند. در هر پله‌ی نوین، ابزار و شیوه‌های تکامل یافته‌تر تولید پیدامی‌شود، محصول به فراوانی رومی‌نهد و میان زحمتکشان و ملکداران مناسبات جدیدی پدید می‌آید. نخستین جامعه‌ی طبقاتی، پنج سده پیش از میلاد در

دره‌ی نیل و فرات پیدا شد. این جامعه، جامعه‌ی برده‌داری بود.

در جامعه‌ی اشتراکی آغازین، از شکارگاه‌ها، چراگاه‌ها و کشتزارها همه بتساوی بهره می‌گرفتند. در جامعه‌ی برده‌داری کار و ابزار فلزی توسعه یافت، گله‌داری تکامل گرفت و قبیله‌ها به خانواده‌ها تقسیم شدند. برخی از این خانواده‌ها مالک زمین و برده شدند. ولی برده‌ها هیچ‌گونه مالکیتی نداشتند و خود در تملک صاحبانشان بودند.

جامعه‌ی برده‌داری در تاریخ، نخستین «جامعه» بی‌ست که بر اساس استثمار - یعنی بهره‌جویی مالکان از نیروی کار برده‌ها - بنیان‌گرفته بود. برده‌ها را مجبور می‌کردند که نهرهای بزرگ آبیاری احداث کنند. آنان در کشتزارها و معدن‌ها کار می‌کردند، جاده، معبد و کاخ می‌ساختند. حاصل بیشترین نیروی کار برده‌ها عظیم‌ترین کاخ‌ها و بناها بود. شهرهایی که در جامعه‌ی اشتراکی آغازین وجود خارجی نداشت، پیدا می‌شد. داراییان برده‌ها را برای کار در خانه و کشتزارها از بازارهای برده‌فروشی می‌خریدند. در خانه‌های داراییان ده‌ها برده‌ی هنرمند و صنعتگر خدمتکاری می‌کردند.

برای احداث بناهای عظیم، نیاز به پیدایش بنیان‌های نظری احساس می‌شد. این است که در دوره‌ی برده‌داری سنگ بنای دانش‌های ریاضی، ستاره‌شناسی و پزشکی نهاده

شد و این دانش‌ها روبه تکامل نهاد. برخی آگاهی‌های جغرافیایی پیرامون بعضی سرزمین‌های مجاور یا حتا دور ثبت شد. برای تزیین بناها، معماری و پیکرتراشی پدید آمد. نقش‌های هنری زیبایی در دیوارهای معبدها و قصرها حک شد. برای بازی در صحنه‌های تئاتر، نمایشنامه‌ها نوشته شد. در آن دوره به بهای کار زحمت طاقت‌فرسا و عظیم برده‌ها، فرهنگ و مدنیتهی شگرف جان می‌گرفت.

دولت‌ها به استثمار کامل برده‌ها کمک می‌کردند، شورش‌های آنان را درب و داغون می‌کردند و از راه جنگ اسیرهای تازه‌یی به دست می‌آوردند. مذهب نیز تکیه‌گاه برده‌داران بود. کاهن‌ها از برده‌ها می‌خواستند که از صاحبان خود اطاعت کنند. در جامعه‌ی برده‌داری اهالی آزاد شهری، و در روستاها افراد جامعه‌ی اشتراکی می‌زیستند که وضع اینان اندکی با وضع زندگی برده‌ها تفاوت داشت.

جامعه‌ی برده‌داری در یونان و روم بیش از هر جای دیگر «رسایی» یافت. جامعه‌ی برده‌داری در احاطه‌ی مردمانی که در شرایط جامعه‌ی اشتراکی آغازین بودند، قرار داشت. برده‌داران به وسیله‌ی جنگ و قتل و غارت، از میان آنان برده‌های زیادی به دست می‌آوردند. جامعه‌ی برده‌داری تقریباً تا سده‌های سوم الی هفتم، و در اروپا تا سده‌ی پنجم پا برجا بود.

دلایل‌های بنیانی زیر، باعث سقوط جامعه‌ها و دولت-

های برده‌داری شد : محصول کار برده‌ها کمتر از محصول کار رعیت‌ها بود. برده‌ها علیه ستمگران مبارزه می‌کردند و شورش‌هایشان رفته رفته نیرومند تر و عظیم‌تر می‌شد. حمله‌های قبایل ژرمن



تاجران برده فروش چگونه در افریقا زنگیان را به‌چنگ می‌آوردند و اسلاو که خود متشکل از جمعیت‌های اشتراکی آزاد بودند، به سقوط برده‌داری در اروپا کمک کرد. جامعه‌ی فئودالی که از کار پر محصول رعیت‌ها سود می‌جست، جای جامعه‌ی برده‌داری را گرفت. رعیت‌ها در برابر استفاده از زمین‌های فئودال‌ها، مکلف به بیگاری برای آنان بودند. در جامعه‌ی فئودالی رعیت‌ها خرید و فروش می‌شدند، ولی معمولاً همراه زمین که بر روی آن کار می‌کردند فروخته می‌شدند. گذشته از آن، به‌خلاف برده‌ها، رعیت‌های فئودالی، از خود ابزار کار و وسایل کشاورزی و نیز مال‌های اهلی داشتند.

در جامعه‌ی فئودالی، بازرگانی تکامل پذیرفت. پس از پراکنده شدن برده‌داری شهرهای عظیم‌تر از شهرهایی که ویران و یا به حال خرابه‌زار بدل شده بود، پیدا آمد. چاپ کتاب و اسلحه‌ی آتشین اختراع شد. نهادهای دانش و هنر با زهم تکامل یافت.

به هنگام پیدایش دولت‌های فئودالی، جامعه‌های برده-داری، و نواحی وسیعی از جامعه‌های اشتراکی آغازین هنوز برجا بود. ولی فئودالیسم در تکامل اجتماعی پله‌یی دیگر بود. و این جامعه، در تاریخ بشری دوران تازه‌یی به‌شمار می‌رفت.

پله‌های سه‌گانه‌ی تکامل اجتماعی پیش‌از دوران سرمایه‌داری چنین است: جامعه‌ی اشتراکی آغازین، برده‌داری و فئودالیسم. ولی این بدان معنا نیست که همه‌ی ملت‌ها در مسیر تکامل این سه پله را می‌باید طی کنند. می‌دانید که در آغاز تاریخ میلادی، آلمان‌ها از جامعه‌ی اشتراکی آغازین، پایه جامعه‌ی فئودالی گذاشتند. روس باستان نیز جامعه‌ی برده‌داری را ندید و از جامعه‌ی اشتراکی آغازین به جامعه‌ی فئودالی گام نهاد.

### پرسش و تمرین

- ۱- تفاوت جامعه‌ی برده‌داری با جامعه‌ی اشتراکی آغازین در چیست؟
- ۲- تفاوت جامعه‌ی فئودالی با جامعه‌ی برده‌داری در چیست؟ ۳- چه چیز باعث گذر از جامعه‌ی اشتراکی آغازین به جامعه‌ی برده‌داری و از جامعه‌ی برده‌داری به جامعه‌ی فئودالی شد؟

## ۲. تکامل نابرابر کشورها و قاره‌ها

اروپا ۰ در سده‌های شانزدهم و هفدهم در اروپا فئودالیسم روی به اضمحلال می‌نهاد و انقلاب‌های بورژوازی پدید می‌آمد.

در دوره‌ی انجامین جامعه‌ی فئودالی، تولید سرمایه‌داری، کارگاه‌های صنعتی، و در روستاها سیستم مزدبگیری پدید آمده بود.

قانونهای فئودالی مانع و سد این سیستم‌های جدید بود. استبداد حاکمان تام‌الاختیار و خودکامگی ماموران و سروری کهانت و اشرافیت طفیلی که به استثمار روستاها می‌پرداخت، باعث تنزل کشاورزی می‌شد.

کارگاه‌های کوچک سبب لنگی تکامل صنایع می‌شد. غیر از ملکداران و خاندانگان، دیگر طبقات اجتماعی محروم از حقوق بودند. کلیسا علیه دانش به پا خاسته بود و اندیشه‌های آزاد را خفه می‌کرد.

جامعه‌ی فئودالی در زیر ضربات انقلاب توده‌هایی که به رهبری بورژوازی به وقوع می‌پیوست، از هم پاشید. انقلاب نیدرلند در سده‌ی شانزدهم، نخستین انقلاب بورژوازی در تاریخ بشری بود. پس از انقلاب نیدرلند، تکامل سرمایه‌داری اروپای غربی را به انقلاب‌های جدیدی سوق داد. در اواسط

سده‌ی هفدهم در انگلستان انقلاب بورژوازی نیرومندتر و شدیدتر از انقلاب نیدرلند رخ داد. این انقلاب در تاریخ جهان، بنیان سرمایه‌داری و سرآغاز دوران جدید بود. این که چرا گفتیم نه انقلاب نیدرلند، بلکه تنها انقلاب انگلستان سرآغاز دوران جدید شد، بعد بحث خواهیم کرد.

تا اواسط سده‌ی هفدهم در برخی از سرزمین‌های اروپایی قوانین فئودالی هنوز پابرجا بود. در روسیه مناسبات سرمایه‌داری تازه پا می‌گرفت. شورش‌های دهقانی نیرو گرفته بود و قانون‌هایی در جهت الفای اسارت دهقان‌ها صادر شده بود.

**امریکا** . به تخمین دانشمندان، انسان نزدیک بیست یا سی هزار سال پیش، از آسیا و از طریق بغاز «برینگ» به آمریکا پانهاد. اینان اجداد سرخپوستان و اسکیموها بودند. این کوچگران سالیان دراز در امریکا از آلاسکا تا منتهایلیه جنوبی امریکا، تا «زمین آتشین» می‌رفتند. آنان جهت انطباق با شرایط جدید زندگی، نیروی زیادی صرف کردند، و این خود، سبب کندی تکامل کاری و فرهنگی آنان می‌شد. اروپاییان همراه «کلمب» و بعد از او در امریکا ساکن شدند. آنان صاحب وسایل نقلیه‌ی چرخدار، دستگاه‌های چاپ‌کتاب و سلاح آتشین بودند. ولی سرخپوستان این ابزارها را نمی‌شناختند.

مردم امریکای شمالی، سرخپوستان و اسکیموها در

شرایط جامعه‌ی اشتراکی آغازین زندگی می‌کردند. آستک‌ها<sup>۱</sup> و مایاها<sup>۲</sup> در مکزیك، و اینک‌ها<sup>۳</sup> در پرو و نیز دولت‌های برده‌داری تشکیل داده بودند. همزمان با یورش گروه‌های استعمارگر در سده‌ی شانزدهم به امریکا، اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌های طمعکار که به هوس زروسیم پایه قاره‌ی امریکا نهاده بودند، میلیون‌ها سرخپوست امریکای مرکزی و جنوبی را نابود ساختند. و آن‌ها را هم که زنده ماندند، برده کردند. در امریکای شمالی نیز انگلیس‌ها بومیان را از پای در می‌آوردند تا زمین‌هاشان را صاحب شوند. بومیان هم در امریکای شمالی و هم در امریکای جنوبی چندین صد سال با تاجران و استعمارگران طمع‌ورز اروپایی مردانه ستیز کردند.

افریقا. مردم افریقا خالق یکی از فرهنگ‌های عظیم دنیای قدیم، یعنی فرهنگ مصر هستند. در قرون وسطا، در سودان غربی در شهر تیمبوکتو<sup>۴</sup> دانشگاهی با صدها دانشمند و مورخ وجود داشت. ملت‌ها و قبیله‌های افریقا در سده‌ی شانزدهم در پله‌های گوناگون تکامل اجتماعی بودند. ولی دیگر، همه‌ی آنان ساختن ابزار فلزی را یاد داشتند. دولت‌های برده‌دار و فئودال و نیز قبیله‌هایی که در شرایط زندگی جامعه‌ی اشتراکی آغازین بودند، در افریقا پراکنده بودند.

---

1. Astek

2. Mayya

3. Ink

4. Timbuktu

در سده‌ی پانزدهم گروه‌هایی از شکارچیان پرتغالی به افریقا هجوم بردند. گفته شده است که در عرض چهار قرن ونیم تعداد پانزده تا بیست میلیون نفر سیاه از افریقا به بردگی به امریکا برده شده است. در برابر هر سیاه که به امریکا می‌رسید، سه تا چهار سیاه دیگر در راه تلف می‌شد و یا هنگام گرفتن به اسارت به قتل می‌رسید. وقتی می‌خواستند گله‌ی سیاهان را در کشتی‌ها پر کنند، آنان تلف می‌شدند. جاده‌های تجاری افریقا پر از لاشه‌ها و استخوان‌های سیاهان بود. روستاها همه خالی شده بود. تاریخ افریقا شاهد مبارزات قهرمانی قبیله‌هایی نظیر بانتوها<sup>۱</sup> و کافرها<sup>۲</sup> و جز آنان علیه استعمارگران اروپایی است. از آنجا که این قاره سالیان دراز میدان شکار سیاه پوستان بود، تکامل ملل آن به‌کندی صورت گرفت.

آسیا. تشکیلات فئودالی در آسیا جای مهمی داشت. در برخی مناطق نیز هنوز مناسبات برده‌داری موجود بود. در کشورهای شرقی - در هندوستان، چین، کره و ژاپن - در دوران باستان و دوران قرون وسطا مدنیت‌های شکوفایی پیدا شده بود. ولی از این مدنیت‌ها، فقط طبقات حاکم برخوردار می‌بودند. شیوه‌ی استبدادی دولت‌های فئودالی، استثمار طاقت‌فرسای روستاییان جامعه‌ی اشتراکی‌آغازین و یورش‌های قبیله‌های کوچک‌تر به برخی از کشورها سبب

---

1. Bantu

2. Kafr

کندی سیر تکاملی سرزمین‌ها می‌شد. و وقتی اروپاییان به این سرزمین‌ها گام گذاشتند، سال‌ها مبارزه‌های ضد استعماری علیه آنان پا گرفت و نضج یافت.

استرالیا. این قاره را اروپاییان در آغاز سده‌ی هفدهم کشف کردند. در آن موقع اهالی استرالیا که از مسیر حرکت و تجارت ملت‌ها بدور بودند، با کشاورزی و گله‌داری آشنایی نداشتند. و باشکار لاک‌پشت و شترمرغ و گردآوری میوه‌های جنگلی و بوته‌های درختان گذران می‌کردند. بعدها، استعمارگران انگلیسی بسیاری از استرالیاییان را نابود ساختند. استعمارگران ده‌ها هزار گوسفند در زمین‌های استرالیا پرورش دادند.

مستعمره‌ها. تکامل نابرابر قاره‌ها و سرزمین‌ها، هم‌زمان با تقسیم جهان به مستعمره‌های بی‌شمار از سده‌های هفدهم به این سو نیرو گرفت.

مستعمره‌ها در دنیای باستان و در قرون وسطا نیز وجود داشت. این مستعمره‌ها عبارت از رعیت‌های کسانی بود که از کشورهای مستعمره‌دار کوچ کرده بودند. آنان وابستگی با کشور مستعمره‌دار نداشتند. اما مستعمره‌های دنیای جدید، با مستعمره‌های پیشین فرق داشت.

اول از همه گروه‌های حقه‌باز برای غارت بومیان سرازیر می‌شدند ولی بعدها در نتیجه‌ی به بند کشیده شدن روستاییان، بسیاری از بی‌خانمان شده‌های آنان و نیز

هنرمندان به آنجاها فرستاده می شدند.

در برخی از مستعمره‌ها، بومیان توسط استعمارگران قتل‌عام شده بودند. مثلا قبیله‌های هائیتی<sup>۱</sup>، یامیاکا<sup>۲</sup> و جز آن در جزیره‌های هند غربی<sup>۳</sup> نابود شدند و وضعیت در بیشتر منطقه‌های استرالیا و جزیره‌ی تاسمانی<sup>۴</sup> بزرگ نیز چنین بود. به این مستعمره‌ها روستاییان آزادومال‌های اهلی از کشورهای استعمارگر (چنانکه در استرالیا) و یا زنگیان به بندکشیده‌شده‌ی افریقایی (چنانکه در جزیره‌های هائیتی و یامیاکا) فرستاده می شدند.

کشورهایی مانند هندوستان که سکنه‌ی بی‌شمار داشت و در شرایط فئودالی می‌زیستند و صاحب فرهنگ عظیمی بودند، به‌جای اهالی کشورهای مستعمره‌دار، از سوی اعضاء دولت و حکومت آن کشورها غارت می شدند. مردمان مستعمره‌ها از فشار مالیات‌ها و خراج بی‌حصر و حد و بیگاری‌های گوناگون و خودکامگی ماموران در عذاب بودند. در مستعمره‌های اسپانیا اعلان شده بود که همه‌ی زمین‌ها از آن سلطان است و سلطان این زمین‌ها را میان افسران و سربازان خود تقسیم می‌کرد.

کشیشان به هر وسیله که شده غارت بومیان را از سوی استعمارگران امکان‌پذیر می‌ساختند. مثلا مبلغ دینی جزیره‌های هاوایی آمدن مسیونرها را چنین تصویر کرده

---

1. Haiti 2. Yamyaka 3. West India 4. Tasmani

است: «مسیونرهای امریکایی پایه جزیره‌ی ما گذاشتند و گفتند که من دیده بر آسمان دوزم. و تا من به آسمان نگاه کنم، آنان زمین‌های ما را از زیر پایمان دزدیدند».

استعمارگران به هر ترتیب شده، اهالی سرزمین مستعمره را تابع خود می‌کردند. مثلاً در سال ۱۵۵۰ درشیلی، شخصی به نام «والدیویا» افسر استعمارگر اسپانیایی دو یست تن از دوهزار اسیر برده را از صف جدا کرد و دست‌ها و بینی‌هاشان را برید و سپس توصیه کرد که مطیع و سر به زیر باشند و به خانه‌هاشان برگردانید.

تجارت کشورهای صنعتی با «مستعمره‌دار»‌هایی که به آن سوی اقیانوس‌ها گام نهاده بودند، شروع شد. محصولات صنعتی مانند پارچه و شیشه و جز آن‌ها به مستعمره‌ها صادر می‌کردند و مواد خام، نظیر شکر، پنبه، چوب و غیره از آن سرزمین‌ها به غارت می‌بردند. در کشورهای مستعمره‌دار، صنایع پیشرفت روزافزونی می‌کرد. و طبقه‌ی حاکم از نفوذ صنایع به سرزمین‌های مستعمره جلوگیری می‌کردند.

تکامل در مستعمره‌ها به‌کندی صورت می‌گرفت ولی در کشورهای مستعمره‌دار به سرعت ادامه می‌یافت. مردم اسیر مستعمره‌ها گرفتار عذاب دهشتناکی می‌شدند. مبارزه‌های آزادی خواهانه‌ی مستعمره‌ها از تاریخ به اسارت

افتادن آن‌ها آغاز شد.

### پرسش و تمرین

- ۱- دلایل عقب‌ماندگی و کندی تکامل کشورهای قاره‌ها، غیر از قاره‌ی اروپا، در آغاز تاریخ جدید جهان را بیان کنید (درباره‌ی هر قاره جداگانه صحبت کنید). ۲- چرا استیلاهای استعمارگران سبب تکامل نابرابر سرزمین‌های جهان شد؟

## آغاز قرون جدید

فصل ۱. آغاز انقلاب بورژوازی  
سده‌ی هفدهم و انقلاب صنعتی  
در انگلستان

فصل ۲. جنگ در راه استقلال  
مستعمره‌های انگلستان در امریکای  
شمالی و پیدایش ایالات متحد

## فصل ۱

# آغاز انقلاب بورژوازی سده‌ی هفدهم و انقلاب صنعتی در انگلستان

### ۱. علت‌های انقلاب

صنایع و کشاورزی : در تاریخ قرون وسطا دیدید که چگونه تولید سرمایه‌داری در انگلستان پدید آمد. کارگاه‌های کوچک پیدا شده بود و رشد می‌کرد. روستاییان از هستی ساقط می‌شدند و پیش‌ملکداران و اربابان و اشراف جدید و فارم‌ها<sup>۱</sup> مزدوری می‌کردند. بخشی از روستاییان نیز به کارگاه‌ها سرازیر می‌شدند.

---

۱. Far meres مالک و یا اجاره‌کننده‌ی زمین. فارم‌های بزرگ دهقان‌های مزدبگیر داشتند.

در اواسط سده‌ی هفدهم، انگلستان از لحاظ دارا بودن نیروی صنعتی و تجاری از هلند عقب مانده بود. در آن عهد، هلند در اروپا پیشرفته‌ترین کشور به حساب می‌آمد. چراکه در آنجا دیگر انقلاب بورژوازی رخ داده بود. ولی در انگلستان کارگاه‌های بومی روستایی سریع‌تر از هلند تکامل می‌یافت. تأسیس کارگاه در شهرهای انگلستان دشوار بود و محدودیت‌های صنعتی ممانعت می‌کرد. ولی در روستاها موانع توسعه‌ی صنایع، بسیار اندک بود و کارگاه‌های گوناگونی، از جمله کارگاه تولید ماهوت ایجاد می‌شد. این صنعت در انگلستان در درجه‌ی اول اهمیت قرار داشت. صاحبان کارگاه‌ها گاهی نیز مواد خام را به کارگرانی که در خانه‌های خودشان کار می‌کردند می‌دادند. کارگاه‌های پشم‌ریسی چنان توسعه یافته بود که دیگر از انگلستان پشم صادر نمی‌کردند. بادستگاه‌های دستی ماهوت‌های پهنی تولید می‌کردند. پارچه‌های پشمی آن زمان، آوازه‌ی فراوانی کسب کرده بود. به سبب از بین بردن بیشه‌ها، برای گرم کردن منازل به استخراج زغال سنگ پرداختند. بارهای زغال‌سنگ به شهرهایی که در حال رشد و توسعه بود، سرازیر می‌شد. در آن عهد ۱/۴ میلیون از ۵/۵ میلیون مردم انگلستان در شهرها می‌زیستند. مخصوصاً سکنه‌ی لندن روز به روز افزایش می‌یافت. از سده‌ی شانزدهم تا سده‌ی هیجدهم اهالی این شهر هشت برابر

شد و از ۶۰ هزار نفر به ۴۶۰ هزار تن رسید.

تکامل کارگاه‌ها و توسعه‌ی شهرها به پیشرفت روستاها نیز یاری می‌کرد. قبلاً  $\frac{1}{4}$  کشتزارها کشت می‌شد و نصف دیگر به‌حال آیش باقی می‌ماند. ولی اکنون  $\frac{3}{4}$  و حتی  $\frac{3}{4}$  آن‌ها زیر کشت می‌بود. ولی بنا به قوانین جامعه‌ی اشتراکی آغازین، راندن مال‌ها به کشتزارهای به‌آیش مانده در بهار سبب لنگی کشاورزی سه کشتزاره و چهار کشتزاره می‌شد.

کمپانی‌های انگلیسی، باتلاق‌ها را در انگلستان شرقی خشک می‌کردند و از راه چپرکشی زمین‌های جامعه‌های اشتراکی آغازین را غصب می‌نمودند.

گله‌داری رو به پیشرفت می‌نهاد. خوک‌های اصیل و حیوان‌های اهلی پرورش داده می‌شد. اشراف تازه به‌دوران رسیده فارم‌های جنوب شرقی در شهرها غلات، گوشت، چرم و شیر زیادی می‌فروختند. در سایه‌ی افزایش و توسعه‌ی کارگاه‌ها و منابع تولید اجناس روستایی، انگلستان از هلند و فرانسه پیشی گرفت.

ولی در انگلستان قوانین فتودالی سبب کندی تکامل صنایع روستائی و کشاورزی می‌شد. درست است که بیگاری کاهش یافته بود، همه‌ی روستاییان برای اربابان خود جهت استفاده از زمین-هاشان بهره می‌دادند. بهره به وسیله‌ی محصول، پول و یا مال پرداخت می‌شد. روستاییان عقب مانده‌ی شمال و

غرب هنوز زیر قید ضوابط فئودالی بودند.  
در میان روستاییان، طبقه بندی ملکی به چشم می خورد.  
برخی از روستاییان آزاد (میومن‌ها) مزدور داشتند.  
بینوایان در باره‌ی این روستاییان دارا می گفتند که «در  
لحاف و تشك پر قو می خوابند» و «در ظرف‌های نقره‌یی  
غذا می خورند». در عین حال روستاییانی در جنوب بودند  
که در دهشت فقر روزگار می گذرانیدند و کومه‌یی بیشتر  
نداشتند. خانه‌ی آنان عبارت از سنگ‌های نتراشیده و یا  
چوب‌هایی بود که رویش گل مالیده بودند. بام این نوع  
خانه‌ها از نی بود. توی خانه را «اجاق» گرم می کرد.  
اجاق‌ها راه سوراخ به بیرون نداشت و دود در خانه جمع  
می شد و از سوراخ سقف بیرون می رفت. روی کیسه‌هایی  
پر از گاه می خوابیدند. مال‌ها نیز در همان جا و پیش  
انسان‌ها بودند. بینوایان پیش صاحبان زمین و یا فارمر-  
هایی که زمین اجاره می کردند، مزدور بودند. همزمان  
با توسعه‌ی گله‌داری، زمینداران، روستاییان را از زمین  
محروم می کردند و از آنان گروه‌های گله‌دار تشکیل  
می دادند.

در نتیجه‌ی تصرف زمین‌های جامعه‌های اشتراکی،  
بسیاری از روستاییان دربدر می شدند و به خاطر لقمه‌یی  
نان به هر سو سفر می کردند. اینان که به صورت گدا  
و سائل در می آمدند، عصیان کردند و علیه تصرف‌ها به

مبارزه برخاستند. و خواستار لغو همه‌ی تأدیه‌ها و تعهدات خود در مقابل زمینداران شدند.

فکر بازگرفتن زمین از زمینداران، بیشتر بینوایان بی‌زمین روستاها را به خود مشغول می‌داشت. آنان زمین‌های خود را از نو شخم می‌زدند و برای تعیین مرز زمین باخندق-هایی که زمینداران کنده بودند، پر می‌کردند. جنبش‌های دهقانی در سال ۱۶۴۰ نیرومندتر شد و در دهه‌ی بعد قطع شد.

حکومت امپراتوری خودکامگی حکومت پادشاهی در انگلستان سبب‌کننده‌ی تکامل صنایع و کشاورزی می‌شد. پادشاهان سلسله‌ی «استوارت» در انگلستان مالیات‌های جدیدی بر شراب، آهن و جز آن‌ها بستند. سرمایه‌داران صاحب مؤسسات صنعتی یا تجاری با دشواری‌ها روبرو بودند. گذشته از محدودیت‌های نیروی کار صنعتی، هر مأمور طلب «مداخل» می‌کرد. هرکس رشوت بیشتری می‌داد، کار به صلاح و صرفه‌ی او تمام می‌شد. صاحبان کارگاه‌ها و بازرگانان می‌خواستند که از املاک خود برطبق میل خویشان استفاده کنند. درحالی‌که استوارت اول که در سال ۱۵۶۲ بر تخت نشست، پی‌درپی از داراییان «مداخل» می‌خواست. و کسانی را که از پرداخت آن خودداری می‌کردند به زندان می‌انداخت.

کلیسای انگلیکان که در زمان امپراتور اول پدیدآمده

بود، در سده‌ی شانزدهم بسیار نیرو گرفت. فرماندهی این کلیسا، خود پادشاه بود. کلیسا صاحب زمین‌ها و مالکانه‌های زیادی بود. وازکشاورزان، گذشته از اجاره‌ی زمین، بهره‌ی مالکانه به اندازه‌ی يك دهم محصول و گاه بیشتر اخذ می‌کردند. این اخاذی‌ها سبب نارضایتی شدیدی می‌شد. ولی به اعتراض‌ها بشدت پاسخ می‌دادند.

کسانی که برضد پادشاه و انگلستان قیام می‌کردند و به جرم پنخش اوراق مضره علیه آنان محکوم می‌شدند، به ستون رسوایی بسته می‌شدند و از گردنشان غلوزنجیر آویزان می‌شد. جلادان گوش‌های اینان را می‌بریدند و تازیانه‌شان می‌زدند.

نخستین کراال<sup>۱</sup> پارلمان را یازده سال تعطیل کرد. حکومت استبدادی او سبب بروز نارضایتی بین بورژوازی و اشرافیت نو پا شد. آنان خواستار افتتاح پارلمان بودند. در میان مردم نیز کینه علیه حکومت کراال شدت می‌گرفت. در اواسط سده‌ی هفدهم در انگلستان حادثه‌های زیر روی داد:

(۱) کشاورزی پیشرفت شایانی کرد و کارگاه‌های زیادی پدیدار شد.

(۲) وضعیت و گذران روستاییان و پیشه‌وران مشقت‌بارتر شد.

---

۱. لقب امپراتوران انگلیس.

۳) میان طبقه‌های دارا شکاف به وجود آمد. اشرافیت نوپا با اتکاء به پارلمان، با کراال که متکی به فئودال‌ها بود، مخالفت می‌کرد.

۴) اشرافیت و بورژوازی نوپا که در مبارزه‌ی انقلابی روستاییان و پیشه‌وران را رهبری می‌کرد، پدید آمد. انقلاب در انگلستان اجتناب ناپذیر بود.

### پرسش و تمرین

- ۱- تکامل نابرابر مناطق گوناگون انگلستان چگونه پدیدار شد؟
- ۲- با مثال روشن سازید که در انگلستان کشاورزی و صنایع سرمایه‌داری تکامل می‌یافت. در اواسط سده‌ی هفدهم کدام طبقه‌های اجتماعی در انگلستان بودند؟
- ۳- در انگلستان چه چیزی سبب کندی تکامل دستاوردهای سرمایه‌داری بود؟

## ۲. آغاز انقلاب. جنگ میهنی

آغاز انقلاب (۱۶۴۲-۱۶۴۰). پارلمان انگلستان که سرانجام توسط کراال در سال ۱۶۴۰ افتتاح شد، از اشرافیت نوپا متشکل بود. این پارلمان را که ۱۳ سال دوام داشت، پارلمان درازمدت نام نهادند. این پارلمان از پادشاه انگلستان خواست که اول اینکه کلیسای حاکم در انگلستان تابع پارلمان بشود، دوم آن که در صورت عدم رأی‌اعتماد پارلمان، وزیران ناگزیر از استعفا باشند.



### کاریکاتوری از شوالیه‌های انگلیسی (سال ۱۶۴۶)

هم از این رو کراال خواست که از پارلمان انتقام بگیرد. حکم حبس سرکردگان را به دست گرفت و با گروهی مسلح به پارلمان رفت. ولی وقتی فرمان حبس را خواند، همه رفته بودند. به گفته‌ی او «جوجه‌ها فرار کرده بودند». آنان در «لندن سیتی»، محل بانک‌ها و مؤسسات تجارتمی پنهان شده بودند. پیشه‌وران و کارگران از آنان دفاع می‌کردند. از حومه‌ی لندن نزدیک پنج هزار تن روستایی و زمینداران خرده‌پا برای دفاع از نمایندگان، اسلحه در دست به لندن آمده بودند. هر یک از آنان خواست‌های پارلمان را در ورقی

نوشته و دورکلاه خود بسته بود. بدین گونه نه تنها مردم شهر، بلکه روستاییان نیز به مبارزه‌ی سیاسی کشانده شدند. گروه‌های محافظ مسلح، اندکی بعد به پارلمان وارد شدند. لندن یک پارچه، از نمایندگان و قشون غیرنظامی دفاع می‌کرد. پارلمان درخواست گزینش هیئت دولت و اخذ اختیار دخالت در امور داخلی و خارجی را کسب کرد. پادشاه انگلستان با همراهان خود به شمال کشور رفت تا در آن بخش عقب مانده به نیروی کمک اشراف-زمینداران فئودال از توده‌های کشاورزی که تحت تأثیر لردها و کشیش‌ها بودند - سپاهی تهیه بیند.

«شوالیه»ها و کله‌گردها. در ماه اوت سال ۱۶۴۲ پادشاه علیه پارلمان اعلان جنگ داد. اشراف و لردها با پول خود به او یاری می‌کردند. شمال و غرب انگلستان و نیز زمین‌داران فئودال «اوئلسین» هواخواه و طرفدارش بودند. هواخواهان پادشاه شوالیه<sup>۱</sup> یعنی جنگجوانام داشتند شوالیه‌ها لباس‌های گرانبه‌قیمت به تن می‌کردند و گیس‌های مصنوعی می‌گذاشتند. این سپاه متشکل از اشراف بود. از سویی نیز پارلمان علیه پادشاه مستبد وارد جنگ شد و سپاه آرایی کرد. سپاه پارلمان عبارت بود از اهالی لندن و مناطق پیشرفته‌ی جنوب شرقی انگلستان. اشراف نوپا و بورژوازی - یعنی صاحبان کارگاه‌ها و بازرگانان -

---

1. Cavalier

سرکردگان این سپاه به شمار می‌رفتند. بسیاری از پینوایان شهر وروستا نیز هواخواه آنان بودند. افسران هواخواه سلطنت از کشتی‌ها نیز رانده شدند. افراد سپاهی پارلمان لباس ساده می‌پوشیدند و گیس نمی‌گذاشتند. هم از این رو به آنان «کله‌گرد»‌ها می‌گفتند.

جنگ میهنی. قشون کرومول. انگلستان در واقع دو قسمت شده بود. جنگ بین دو گروه فوق، در واقع جنگ میهنی به شمار می‌رفت. می‌توان گفت که در انگلستان همه‌ی زمینداران و اشراف، روستاییان را گرد می‌آوردند و مسلح می‌کردند. هواخواهان پارلمان و طرفداران سلطنت باهم نبرد می‌کردند، ولی نتیجه از آن قوای نظامی بود. سپاهیان پادشاه که از تعلیمات نظامی پیشرفته‌ای برخوردار بودند، «کله‌گرد»‌های پارلمان را که با عجله تجهیز شده بودند، درب و داغون می‌کردند. ولی وقتی گروه‌های پینوای کشاورز، پیشه‌ور و کارگر وارد سپاه پارلمان شدند، اوضاع از بنیاد دگرگون شد.

اولین گروه را از این دست، الیور کرومول (۱۶۵۸) -

۱۵۹۹) عضو نمایندگان مجلس ترتیب داد.

کرومول در آغاز انقلاب علیه پادشاه و کلیسای انگلیکان با عناد خاصی سخنرانی کرد. وی مردی بود درشت اندام با مژه‌های خرمایی و صورتی خشن و سرخ و صدای گیرا و مؤثر. وی کت و شلوار ساده‌ی سفیدی به تن

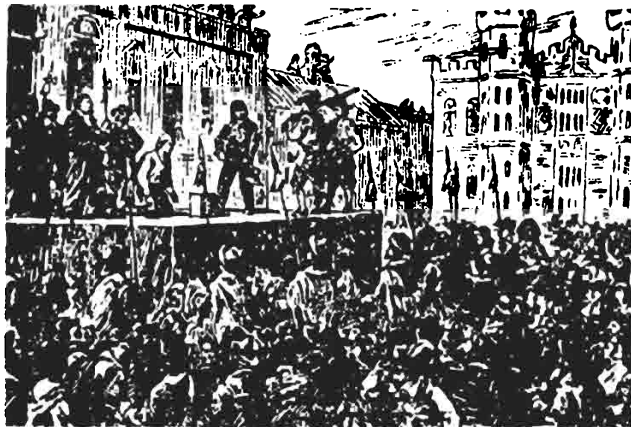


اولیور کرومول

می کرد که در خیاط خانه های روستایی دوخته می شد. هنگام آغاز جنگ، کرومول به سرکردگی تعیین شد. سواران اردوی او زره آهنین می پوشیدند و چون جنگاور و شجاع بودند «پهلوانین» لقب گرفتند. اینان به حقانیت خود باور داشتند و تا دم واپسین حاضر به نبرد بودند. در اردوی پهلوانین ها ضابطه و نظم شدیدی حکمفرما بود. اگر کشیک و نگهبان را خواب می ربود، همان جا او را به گلوله می بستند. هر کس اسلحه یا نیزه ی خود را گم می کرد می کشتند. کرومول جداً قدغن کرده بود که کسی مزاحم اهالی نشود. حتا قانون مجازات شدیدی برای میوه دزدی وضع کرده

بودند. بنا به طرح کرومول، روستاییان، پیشه‌وران، استادکارها و شاگردها می‌توانستند وارد این اردو بشوند. قشون شوالیه‌ها را اشراف و فرمانده‌های قبلی تشکیل می‌دادند ولی در اردوی «طراز نوین» کرومول به همه نوع آدم از درشکه‌چی، پینه‌دوز، سکان‌دار و «جزاین‌ها» می‌شد برخورد کرد. فرماندهان آنان نیز عبارت بودند از زمین‌داران خرده‌پا و متوسط، کرومول بزودی یکی از سرکردگان انگشت‌شمار اردوی پارلمان شد.

در سال ۱۶۴۵ سپاه کله‌گردها در نزدیکی روستای نسبی<sup>۱</sup> با قشون پادشاه رودررو شد و آن‌ها را شکست داد.



اعدام کارل استوارت در سال ۱۶۴۹

در اردوی پارلمان نزدیک ۱۴ هزار سپاهی بود که بیش از ۶ هزار تن آنان زیر فرمان کرومول بودند. پادشاه انگلستان نیز نزدیک ۸ هزار سرباز داشت که ۴ هزار تن آنان

1. Nesbi

سواره بودند. در آغاز سواره نظام پادشاه ضربه‌ی هولناکی به اردوی پارلمان وارد کرد. ولی کرومول و یاران‌ش اوضاع را تغییر دادند. و بایک شبیخون سواره نظام را درب و داغون کردند. در همین جنگ، اردوی پارلمان ۵ هزار اسیر گرفت. توپخانه‌ی سلطنتی رانیز تصرف کردند و یکی از مقاوله-نامه‌های پادشاه را که طبق آن از امپراتور فرانسه استمداد کرده بود، به دست آوردند.

پادشاه انگلستان بعدها به «شاتلاند» فرار کرد، ولی اهالی شاتلاند او را دستگیر کردند و تحویل پارلمان دادند. پارلمان نیز او را به حبس انداخت.

پس از زندانی شدن پادشاه انگلستان، پارلمان اعلان کرد که جنگ پایان یافته است و سربازها مرخصند. پارلمان می‌خواست خود را هر چه زودتر از چنگ اردویی که روحیه‌ی انقلابی داشت رها سازد.

### پرسش و تمرین

- ۱- چرا پادشاه انگلستان نتوانست مقاومت پارلمان را درهم شکند؟
- ۲- چرا اشراف نوپا همراه بورژوازی وارد جبهه شدند و علیه سلطنت شورش کردند؟
- ۳- چرا اردوی «طراز نوین» سپاهیان پادشاه را شکست داد؟

### ۳. بورژوازی علیه توده‌های مردم

اصلاحات مهم پارلمان درازمدت. پارلمان کلیه‌ی دیون زمینداران را به پادشاه انگلستان الغاء کرد. تا آن وقت فکر

می کردند که همه‌ی زمین‌ها در قبال خدمت حربی به پادشاه و یا پرداخت پول اعطاء شده است. تأدیه‌های خرید و فروش و انتقال ارثیه‌ها نیز لغو شد. زمینداران به مقاصد خود دست یافتند. ولی روستاییان به همان حال سابق باقی ماندند و تنها اکنون مجبور بودند که تأدیه‌های خود را به جای پادشاه به کلیسایی که تابع پارلمان بود پرداخت کنند.

پارلمان به خواست اردو، فقط زمین‌های هواخواهان پادشاه و خادمان کلیسا را مصادره کرد. بعد این زمین‌ها را بورژوازی و اشراف نوپا تصرف کردند و بخش ناچیزی را به بهای گرانتر به روستاییان فروختند.

شکاف میان پارلمان و اردو. بورژوازی و زمینداران جدید که قوانینی به نفع خود از پارلمان گذراندند، بیشتر از پادشاه از مردم می ترسیدند.

در گوشه و کنار کشور «تساوی خواهان»<sup>۱</sup> ظهور کردند. عقیده‌ی آنان این بود که انسان‌ها، همه مساوی‌اند، ولی طبقه‌ی حاکمه معیشت انسان‌ها را به وضع مشقت‌باری درآورده‌اند. آنان تلاش می کردند که حکومت کشور را به دست گیرند ولی حق رأی برای زنان، مزدوران و کارگران و خدمتکاران نمی دادند. آنان در عین حال مدافعان سرسخت مالکیت خصوصی بودند. گرچه مالکیت‌های کلان

---

1. Leveller

از جمع مالکیت‌های خصوصی کوچک کوچک ایجاد می‌شود، ولی «تساوی خواهان» در پی برقراری نظام بورژوازی بودند.



جان لیلبرن در لباس نظامی سواره، در دادگاه دفاعیه می‌خواند. دو سگه‌ی بالایی به افتخار تبرئتی وی ضرب شده بود.

«لیلبرن» مشهورترین تساوی خواه بود که برای سربازان اوراق و کتابچه‌ها نیز منتشر می‌کرد. افراد اردو تحت تأثیر تساوی خواهان، از دستور مرخصی پارلمان سرپیچی کردند و پادشاه را از حبس پارلمان به درآوردند، وارد لندن شدند و هواخواهان پادشاه را از پارلمان راندند. افراد چندفوج خواستار اعدام پادشاه انگلستان بودند.

اعدام پادشاه انگلستان . در سال ۱۶۴۹ مجلس نمایندگان جلسه‌یی برای محاکمه‌ی پادشاه ترتیب داد. در برابر هزاران تماشاچی سراسوارت اول پادشاه انگلستان را

به جرم خیانت به میهن و جنگ با مردم با تیغ زدند. اندکی بعد، مجلس نمایندگان تصمیم به تعطیل کردن مجلس لردان گرفت. در قطعنامه گفته می‌شد: «اعضای نمایندگان مجلس انگلیس طی تجربیات زیاد دریافتند که وجود مجلس لردان برای مردم کشور انگلستان بی‌سود و زیان‌آور و خطرناک است. این است که تصمیم به محو آن گرفته شد». در انگلستان حکومت جمهوری اعلان شد. در زمان انقلاب «بورژوازی» اشرافیت نوپا و بورژوازی انگلستان، علیه امپراتوری و اشراف فئودال و کلیسای انگلیکان ستیز می‌کرد. نیروی نهایی انقلاب نیز توده‌های مردم بودند.



گروه‌های اعزامی کرومول «زمین‌کن»ها را از زمین‌های خود می‌رانند  
تساوی خواهان افراطی یا حقیقی. در ضمن انقلاب افرادی  
تندروتر از لیلبرن و طرفدارانش پیدا شدند. به‌هنگام  
جنگ میهنی در انگلستان در صنایع رکود ایجاد شده بود.

کشاورزی تنزل داشت. توده‌ها گرسنه و محتاج بودند. در جنوب لندن تساوی خواهان افراطی از میان بینوایان شهر و روستا پدید آمدند. آنان را «زمین‌کن‌ها» نام دادند. چرا که در چادرها زندگی می‌کردند و زمین‌های خالی را می‌کندند. حرف آنان این بود که جمهوریت نتوانست وضع مردم را بهتر کند. کلاه مردم پس‌معرکه ماند. آنان خود را «تساوی خواهان حقیقی» نام می‌دادند. زیرا که نه تنها تساوی در مسایل سیاسی مملکتی را می‌خواستند، تساوی مالکیت را نیز خواهان بودند. «زمین‌کن‌ها» می‌گفتند که «زمین از آن هیچ‌کس نیست».



جنگ دریایی انگلیسی‌ها با هلندیان

«اوینستنلی» یکی از رهبران آنان نوشته است:  
«انسان‌ها باید بکوشند چیزمنفوری به نام مالکیت خصوصی  
را از روی زمین براندازند... مالکیت را براندازید تا  
دارا و نادار نباشند. ستم و جنگ رخت بر بندد...» ولی  
اوینستنلی می‌خواست ظلم و ستم را با بحث و مذاکره از بین  
ببرد نه با جنگ و نبرد...

گرومول گروه‌های زمین‌کن را به مدد نیروی نظامی  
خود پراکنده ساخت و بسیاری از تساوی‌خواهان افراطی  
را به زندان انداخت. پیش از آن نیز تشکیلات اردو را از  
هم پاشیده و افسران تساوی‌خواه را به مجازات رسانیده  
بود.

چند فوج از اردو به دنبال هواخواهان لیب‌رن‌شورش  
کردند، و گرومول ۴ هزار سپاهی را که خود رهبری‌شان  
می‌کرد، بر سر آنان ریخت.

گرومول در هنگام نبرد با پادشاه متکی به توده‌های  
اردو بود، و وقتی سربازان اردو خواست‌های خود را در  
میان گذاشتند، آنان را مجازات کرد. بورژوازی واله  
گرومول بود. پولداران به او جام‌طلایی تقدیم کردند.

#### پرسش و تمرین

۱- پارلمان درازمدت دیون چه‌کسانی را الفاء کرد و دیون چه‌کسانی  
را نگه داشت؟

۲- چرا سال ۱۶۴۹ سال پیشرفت انقلاب بشمار می‌رود؟

۳- چه چیز سبب شکاف میان توده‌های مردم با بورژوازی و اشرافیت نوپا شد؟

۴- چرا تساوی خواهان افراطی خود را تساوی خواه حقیقی می‌دانستند؟

۵- چرا کرومول اول علیه پادشاه و بعدها علیه تساوی خواهان حقیقی به جنگ پرداخت؟

## ۴. نتیجه‌ها و اهمیت انقلاب بورژوازی انگلستان

درهم کوبیدن شورش ایرلند . کرومول در سال ۱۶۴۹ بخش عظیمی از اردو را به ایرلند که تازه در سده‌های دوازدهم و شانزدهم به تصرف انگلستان درآمده بود، فرستاد. او تصمیم گرفته بود که شورش هشت ساله‌ی این سرزمین را درهم کوبد، و زمین‌های ایرلند را بین سربازان و افسران تقسیم کند.

کرومول روستاییان ایرلند را از چوبه‌ی دار آویخت و دخمه‌هاشان را آتش زد. زمین‌ها از دست روستاییان خارج می‌شد و به چنگ افسران کرومول می‌افتاد. اردوی کرومول بسیاری از روستاییان ایرلند را به اسارت گرفت و شورش-های پراکنده‌ی بینوایان روستاهای دیگر نقاط انگلستان را هم، درهم کوبید.

جنگ ایرلند، مدت‌ها اردو را از مبارزه‌ی سیاسی داخلی دورنگه داشت. جنگ ایرلند، دیگر جنگ میهنی علیه پادشاه مستبد نبود، بلکه مقاصد «استعماری» داشت. یک سوم اهالی ایرلند نابود شدند. یکی از معاصران

آن عهد نوشته است: «ده‌ها هزار کیلومتر هم راه بروی، به تفابنده‌یی بر نمی‌خوری. نه انسانی، نه حیوانی و نه پرنده‌یی بر جای گذاشتند». بسیاری از اسیران ایرلند را به بردگی به آمریکا فرستادند.

در سال ۱۶۵۰ بدون اجازه‌ی دولت انگلستان، قانونی<sup>۱</sup> که تجارت بیگانگان غیرانگلیسی را در مستعمره‌های انگلیس منع می‌کرد گذرانده شد. این قانون بیش از همه علیه هلند بود. بعدها در سال ۱۶۵۱ «قانون دریایی» گذرانده شد. طبق این قانون آوردن مال التجاره از آسیا، آفریقا و آمریکا فقط با کشتی‌های انگلیسی مجاز بود. کالاهای اروپایی تنها می‌بایست با کشتی‌های انگلیسی و یا با کشتی‌های کشور تولید کننده به انگلستان سرازیر شود. از آنجاکه این قانون، رابطه‌ی تجاری هلند را پریشان می‌کرد، این کشور آن را نپذیرفت.

در سال‌های ۱۶۵۴-۱۶۵۲ میان انگلستان و هلند جنگ روی داد. در این جنگ هلند شکست خورد و جای خود را در تجارت جهانی به انگلستان داد.

کرومول برای گسترش مستعمره‌های انگلستان جزیره‌ی بزرگ «یامیاکا» را در وست‌این‌دیا<sup>۲</sup> از چنگ اسپانیایی‌ها بدرآورد.

انگلیسی‌ها در کشتزارهای نیشکر جزیره‌ی یامیاکا

---

1. act      2. West India

از نیروی کار زنگیان آفریقا و اسیران ایرلندی استفاده می‌کردند.

پروتکت‌ها . بخشی از بورژوازی و اشرافیت نوپا با جنبش‌های مردم دشمنی می‌کردند و خواهان دیکتاتوری نظامی بودند. طبقه‌ی بالای اردو که همان اشراف باشند، به‌هنگام تعیین کرومول به ریاست دولت، به او لقب‌لرد پروتکتور<sup>۱</sup> دادند (معنای لغوی آن «حامی» و «محافظ» است). پروتکتور بدون شرکت پارلمان، خود قانون وضع کرد و به اداره‌ی کشور پرداخت. اردوی عظیم تحت فرمان او بود. ژنرال‌های هواخواه کرومول به اطراف و اکناف کشور گسیل شدند. کرومول در واقع دست‌نشانده‌ی اشرافی که با بازگشت پادشاه به سلطنت مخالف بودند و نیز با جنبش‌های اجتماعی دشمنی می‌کردند، بود. دیکتاتور جنگی آنان به‌شمار می‌رفت. ولی بورژوازی از حمایت مردم محروم ماند. هواخواهان پادشاه سربلند کردند و برای بازگرداندن سلطنت تلاش ورزیدند.

برپایی مجدد سلطنت . کرومول در سال ۱۶۵۸ فوت کرد. در این موقع نارضایتی سربازان اردو شدت یافته بود. بورژوازی و اشرافیت نوپا از جنبش‌های طبقات پایین به‌واهمه افتاده بودند. آنان به‌یاری فرماندهی اردو، توانستند، حکومت سلطنتی را دوباره برپا سازند. مانند

---

1. Lord Protecte

زمان قبل از انقلاب، دو مجلس نمایندگان ولردان تشکیل شد.

سلسله‌ی استوارت که در سال ۱۶۶۰ دو باره بر سر حکومت بازگشته بودند، به مجازات اشخاصی که در انقلاب شرکت داشتند، پرداختند. حتا اجساد کرومول و دیگر سران انقلاب را از گورها درآوردند و بردار آویختند.

استوارت‌ها می‌خواستند املاک اشخاص ضدانقلابی را به خودشان بازگردانند. پارلمان از ترس ادامه‌ی مجازات انقلابی‌ها، تصمیم‌گرفت شخصی را از بیرون انگلستان که در جنگ‌های داخلی کمتر شرکت داشته است به پادشاهی دعوت کند تا در کارهای دولتی زیاد دخالت نکند.

پارلمان در سال ۱۶۸۸ از راه انقلاب صلح‌آمیز و بدون خونریزی سلسله‌ی استوارت‌ها را منقرض ساخت و تاج و تخت آنان را به ویلهلم اورانسیکی خویشاوند هلندی آنان داد. از این زمان به بعد، مالیات‌ها را تنها پارلمان وضع می‌کرد. بعدگفته شد که وقتی فرمان‌های پادشاه معتبر است که رئیس‌کابینه زیر آن را امضاء کند. همه‌ی وزیران مجبور به اجرای قانون‌های پارلمان بودند. اکنون مسایل مهم مملکتی را پارلمان حل و فصل می‌کرد. اینک حکومت به دست بورژوازی و زمین‌داران بزرگ که اعضای پارلمان بودند منتقل شده بود.

اهمیت انقلاب انگلستان در سده‌ی هیجدهم. در نتیجه‌ی انقلاب

انگلستان اختیارات غیرمحدود پادشاه و فرمانروایی فئودال‌ها و حکومت روحانی کلیسای انگلیکان لغو شد. اشراف نوپا و طبقه‌ی بالای بورژوازی یعنی بازرگانان و بانکداران بر سر کارآمدند. پس از انقلاب، کشاورزی و صنعت که در آن از کارگران مزدبگیر استفاده می‌شد پیشرفت کرد.

ولی در انگلستان هنوز حکومت اریستوکراسی و امپراتوری برجا بود. دلیل آن اتفاق دراز مدت بورژوازی با صاحبکاران اشراف بود.

روستاییانی که غلبه‌ی بورژوازی را تأمین کرده بودند، نه تنها صاحب زمین نشدند، حتا از زمین نیز محروم گشتند. در روستاها به یاری پارلمان و اعضاء داخلی حکومت، زمین‌های جامعه‌های اشتراکی بزور تصرف شد. در نتیجه‌ی این تصرف‌ها، روستاییان بکلی از هستی ساقط شدند.

زیر حمایت قانون دریایی، تجارت انگلستان با سرزمین‌های «ماورای بحار» روز بروز گسترش می‌یافت. انگلستان در دریاها و در مستعمره‌ها از رقیب خود هلند، پیشی گرفت و آن را شکست داد.

غارت مستعمره‌ها و تجارت برده به حساب تکامل سریع صنایع، ثروت هنگفتی نصیب بورژوازی انگلستان کرد.

انقلاب بورژوازی انگلستان در سده‌ی هفدهم در تاریخ اروپا و جهان

اهمیت زیادی دارد. این انقلاب با پیروزی مناسبات سرمایه‌داری پایان گرفت و «عصر جدید» در تاریخ جهان شروع شد.

در قرون وسطی، فئودالیسم بر جهان حاکم بود. در آن عهد کشاورزی برتری داشت. طبقات اصلی جامعه، زمینداران اشراف و روستاییان بودند. فئودال‌ها کشاورزان را وادار به بیگاری می‌کردند و به استعمار آنان می‌پرداختند و به بهای زحمت آن‌ها می‌زیستند.

ولی در «عصر جدید» مناسبات سرمایه‌داری پیدا شد. فرمانروایی از فئودالیسم به بورژوازی منتقل شد. بنیاد سرمایه‌داری استفاده از کارگران مزدبگیر در تولید بود. گذر از «قرون وسطی» به «عصر جدید» در واقع جابجایی مناسبات فئودالی و سرمایه‌داری است.

### پرسش

۱- جنگ ایرلند چه تأثیری در روند انقلاب داشت. ۲- دلیل برپایی دوباره‌ی سلطنت در انگلستان چه بود؟ ۳- میان امپراتوری پیش از انقلاب با امپراتوری پس از انقلاب چه فرقی بود؟ ۴- انقلاب بورژوازی در تکامل سرمایه‌داری چه نقشی داشت؟ ۵- انقلاب انگلستان در تاریخ آن کشور چه تحولاتی پدید آورد؟

### تمرین

۱- طرحی پیرامون نقش توده‌های مردم در انقلاب سده‌ی هفدهم انگلستان تهیه کنید. ۲- اصطلاحات زیر را توضیح دهید: تصرف زمین‌های جامعه‌های اشتراکی، کارگاه‌های اولیه، اشراف نوپا، پارلمان دراز مدت، شوالیه‌ها، کله‌گردها، تساوی‌خواهان، زمین‌کن‌ها یا تساوی‌خواهان حقیقی، برپایی مجدد.

## ۵. از کارگاه‌های ساده تا کارخانه‌های معظم

نتیجه‌ی انقلاب بورژوازی انگلستان در سده‌ی هفدهم آن بود که زمین از روستاییان گرفته شد، همه در بدر شدند و به دنبال پیدا کردن کار به شهرها سرازیر گشتند. غارت مستعمره‌ها نیز سرمایه‌ی زیادی به دنبال می‌آورد. نسبت به دیگر کشورهای اروپا، در انگلستان سرمایه‌ی هنگفت، نیروی کار و کارگاه‌های صنعتی تکامل یافته‌ی زیادی وجود داشت.

کار دستی . کارهای دستی قرون وسطا در سده‌ی هیجدهم در انگلستان روبه تنزل نهاد. ولی پیشه‌وران زیادی برای محترکان کار می‌کردند. بسیاری از پیشه‌وران سفارش بافت ماهوت می‌گرفتند. این پیشه‌وران گرچه در خانه‌ی خود کار می‌کردند، ولی به کارگران مزدبگیر تبدیل شده بودند. گاهی محترکان، پیشه‌وران را در یک بنا گرد می‌آوردند و در آنجا به آنان کار می‌دادند.

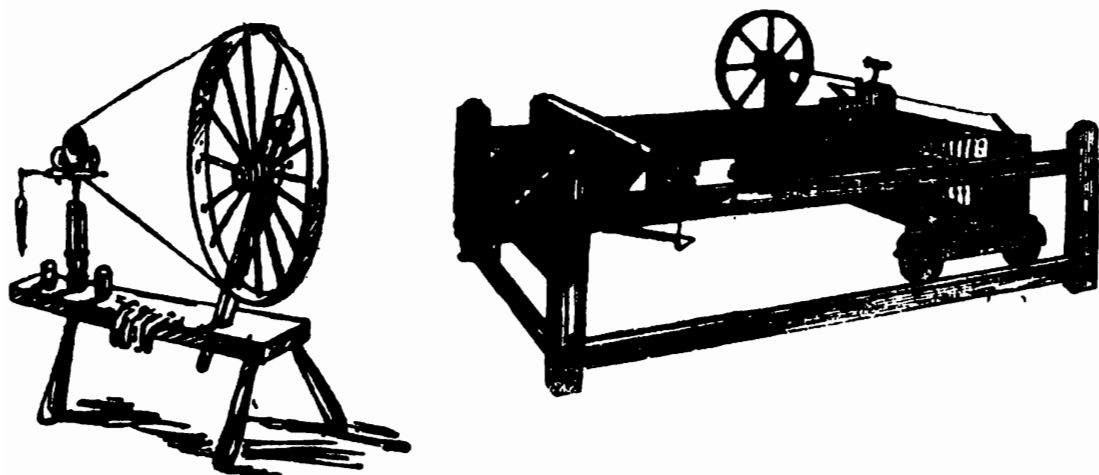
در کارگاه‌های سنجاق‌سازی، کارگران مزدبگیر کار می‌کردند. اولی ورق را بازمی‌کرد، دومی می‌ساخت، سومی خرد می‌کرد و چهارمی نوک آن‌ها را تیز می‌نمود. دیگران سرسنجاق‌ها را درست می‌کردند و صیقل می‌دادند. برای آماده شدن یک سنجاق، ۱۸ نفر بنوبت کار می‌کردند. یک کارگر اگر به تنهایی کار می‌کرد، قادر بود فقط ۲۰

سنجاق در روز تهیه کند. ولی در نتیجه‌ی کار جمعی، هر روز ۴۸۰۰ سنجاق یعنی ۲۴۰ برابر بیشتر ساخته می‌شد. از این مثال درمی‌یابیم که در این کارگاه‌ها تقسیم‌کار تکامل یافته بود. کارگرها تلاش می‌کردند که سریعتر از دیگران کار خود را تمام کنند. اینک کارگران مجبور نبودند به تنهایی همه‌ی کارها را انجام دهند. هر یک کار ساده‌ی می‌کردند که این نیز انتقال این کار را به ماشین راحت می‌ساخت. کار در کارگاه‌ها از کار پیشه‌وران درخانه پر ثمرتر بود. ولی استحصال آن باز هم ناکافی می‌نمود. درحالی‌که مستعمره‌ها و خود انگلستان نیاز به تجهیز با اموال و کالاهای صنعتی داشت.

کارگران کارگاه‌ها علیه استثمار بی‌رحمانه‌ی خود از سوی صاحبکاران مبارزه می‌کردند. اعتصاب برپا می‌داشتند. صاحبکاران کارگران مسن و سالخورده را از کار برکنار می‌کردند و به جای آنان کودکان و زنان را به کار می‌گماشتند. ولی کارگاه‌ها به کارگران آزموده و ورزیده نیاز داشت.

اختراع «ماشین‌های کار». در سده‌ی هیجدهم در انگلستان در شرایط رشد تجارت و صنایع، افزایش مصرف کالاها و نیرو گرفتن مبارزه‌های کارگری، حادثه‌ی پراهمیتی رخ داد: «ماشین‌های کار» اختراع شد و سرعت توسعه یافت. کارخانه‌هایی باصدها و حتی هزاران کارگر مزدبگیر

پدید آمد. در این کارخانه‌ها نیز، مانند کارگاه‌های قبلی، کارگران مزدبگیر کار می‌کردند ولی به‌خلاف کارگاه‌ها که در آن‌ها ماشین کمتر به کار گرفته می‌شد- این‌جا ماشین-های گوناگونی مورد استفاده بودند که محصول کارگران را دوچندان می‌کردند.



دستگاه پشم‌ریسی دستی و مکانیکی (این‌هر دو دستگاه را خود ریسنده با دست به کار می‌اندازد.)

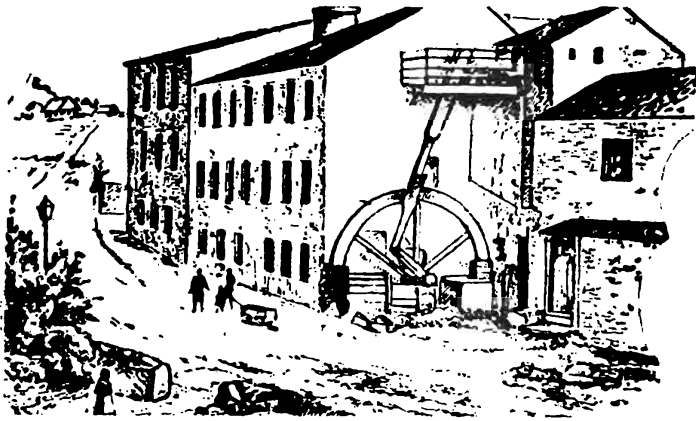
اول از همه، در زمینه‌ی افزایش تولید پنبه و پارچه، ماشین اختراع شد. در سال ۱۷۶۵ بافنده‌یی به نام «هارگریویس» چرخ پنبه‌ریسی را اختراع کرد و به افتخار دخترش نام آن‌را «جنی» گذاشت. این چرخ در یک بار از پنبه ۱۶ نخ می‌رشت. در گذشته انگلستان انسان از پنبه نخ می‌کشید و می‌رشت، ولی اکنون ماشین این وظیفه را انجام می‌داد. در کارخانه‌ها توده‌های پشم تلنبار شده بود و بافندگان به وسیله‌ی ماشین‌های دستی تازه اختراع شده،

آن‌ها را به صورت محمولات تازه درمی‌آوردند، ولی قادر نبودند به کار سرعت بخشند. کارگران، افزایش مزد طلب داشتند. وصاحبکاران، کارگران غیر مطیع را از کار بی‌کار می‌کردند. دستگاه‌های بافندگی مکانیکی اختراع می‌شد و کار از کارگر گرفته و به ماشین‌ها سپرده می‌شد. درکارخانه‌یی يك طبقه، ۲۰۰-۳۰۰ و حتا ۶۰۰ کارگر کار می‌کردند.

نخستین کارخانه‌ی بافندگی انگلستان، در سال ۱۷۷۱ بنا شد. دستگاه‌ها، اول بوسیله‌ی چرخ‌های آبی به حرکت می‌افتاد. هم از این‌رو، کارخانه‌ها کنار رودخانه‌ها ایجاد می‌شد.

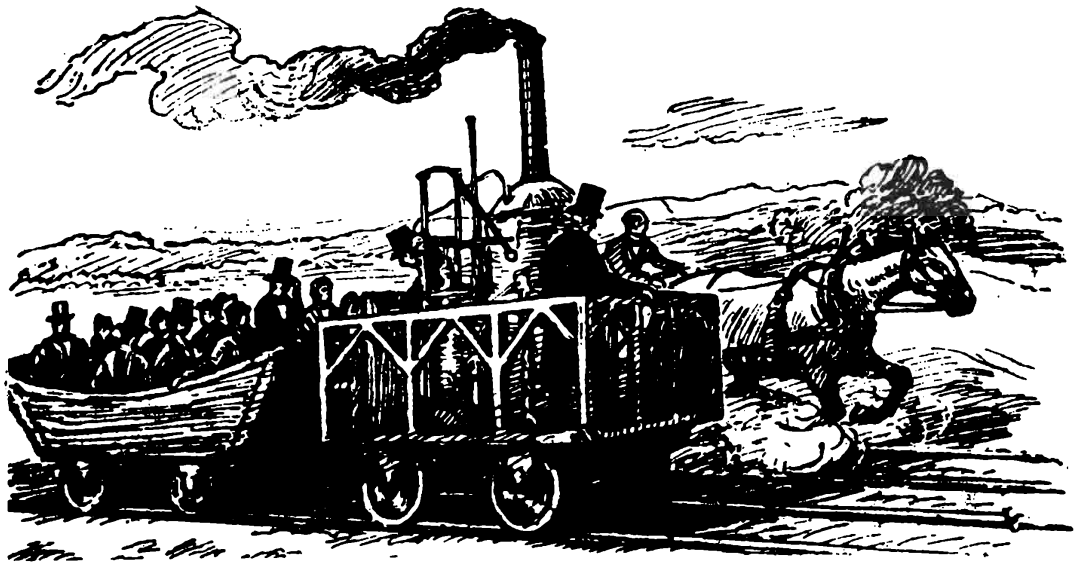
«جیمز وات» که آرزو می‌کرد درجای دیگر غیر از کنار رودخانه دستگاه به کار اندازد، پس از سال‌ها تلاش، ماشین بخار را اختراع کرد. وات در کارخانه‌ی تعمیرات مکانیکی کار می‌کرد. او اختراع خود را به کمک استادان مدرسه به اتمام رسانید. اکنون درکارخانه‌ها به جای آب، سیستم انتقال (ترانسیسیون) می‌توانست دستگاه‌ها و چرخ‌ها را به کار اندازد. این اختراع، سبب توسعه کارخانه‌ها و احداث آن‌ها در هر مکان شد.

در دوره‌ی کارگاه‌ها، دستگاه‌های بسیار ساده، مثلا تلمبه‌ی ساده برای کشیدن آب از چاه، کوره‌های آهن‌گری، چرخ ساده‌ی پشم‌ریسی و جز آن‌ها به کار گرفته می‌شد.



یکی از نخستین کارخانه‌های انگلیسی که با نیروی بخار کار می‌کرد. ماشین بخار در ساختمان فرعی دست راست تصویر قرار داشت. این ماشین تمام دستگاه‌های کارخانه را از راه انتقال‌دهنده به کار می‌انداخت.

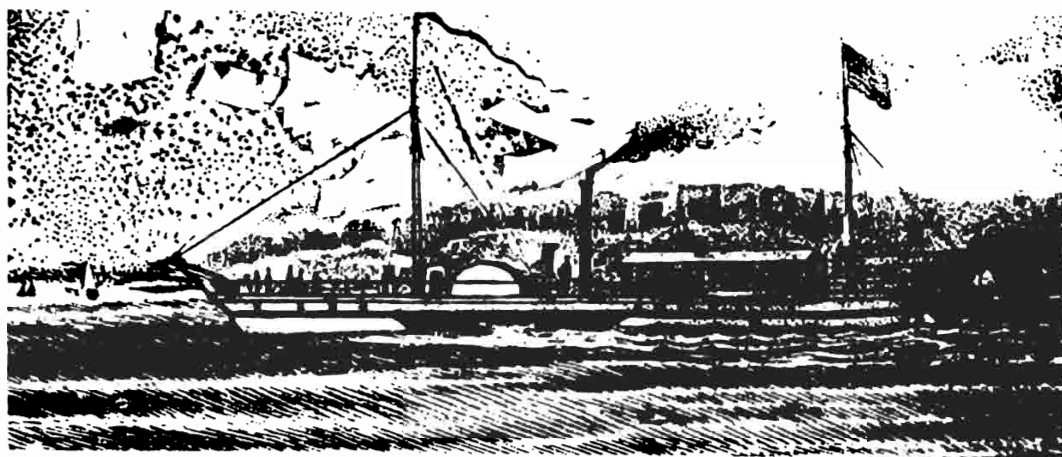
در آن کارگاه‌ها از ماشین نه تنها به خاطر تولید بلکه بعنوان مددکار درجه دوم نیز استفاده می‌شد. ولی پس از اختراع «ماشین‌های کار» تمام کارها به دست ماشین سپرده می‌شد. حالا وظیفه‌ی کارگر این بود که چگونگی کار ماشین و مثلاً کیفیت رشته شدن پنبه را بیابد. کارگر ماده‌ی خام را به دستگاه می‌داد، نخ‌های پاره شده را به هم گره



مسابقه‌ی قطار با آب در سال ۱۸۳۰ در ایالات متحد آمریکا

می‌زد، ولی کار اساسی، یعنی رشتن و بافتن را دست‌های او نه، بلکه «ماشین‌های کار» انجام می‌داد.

اختراع و تکمیل ماشین‌های بخار نه تنها برای دستگاه‌های کارخانه، بلکه برای حمل و نقل نیز پرسود بود. از ماشین بخار، اول از همه برای حرکت در خشکی استفاده کردند. در انگلستان لوکوموتیو ساختند که روی سنگفرش حرکت می‌کرد. ولی وقتی آن را روی ریل حرکت دادند، اهمیت عملی بیشتری کسب کرد. قطارهای باری پیدا شد مهندس «جرج استفنسن» که مدرسه ندیده و پیش خود آموخته بود، در سال ۱۸۱۴ لوکوموتیوی اختراع کرد که ۸ واگون را می‌کشید و در ساعت ۱۰ کیلومتر راه طی می‌کرد. او در ۱۸ سالگی خواندن و نوشتن یاد گرفته بود. استفنسن همچنین مخترع ریل صاف نیز است. لوکوموتیو او به نام «راکت» در مسابقه‌ی لوکوموتیورانی از دیگر لوکوموتیوها پیشی جست و جایزه در ربود و سبب شهرت مخترع خود شد.



نخستین کشتی فولتون در سال ۱۸۰۷

از ماشین بخار برای حرکت در آب نیز استفاده کردند. «رابرت فولتون» که در امریکا زندگی می‌کرد، و او نیز پیش خود آموخته بود، در سال ۱۸۰۷ کشتی بخار ساخت. وی توانست ماشین بخار را به قایق نصب کند. کشتی فولتون از نیویورک به راه افتاد و با احتساب ۸ کیلومتر در ساعت ۳۴۰ کیلومتر راه رفت. اندکی بعد از کشتی‌ها برای سفرهای دریایی استفاده کردند. کشتی از راه اقیانوس اطلس، از ایالات متحد امریکا به اروپا آمد و به دلیل تمام شدن زغال‌سنگ، این کشتی نصف راه را با بادبان حرکت کرد. در اواسط سده‌ی نوزدهم کشتی‌های بادبانی بتمامی از کار افتاد و جای آن‌ها را کشتی‌های بخار گرفت.

### پرسش و تمرین

۱- در انگلستان چگونه سرمایه گردآوری می‌شد؟ ۲- طبقه‌ی کارگر چگونه پدید می‌آمد؟ ۳- شباهت و تفاوت کارگاه‌های اولیه با کارخانه‌های سرمایه‌داری در چیست؟ ۴- اختراع برخی ماشین‌ها چه تأثیری در اختراعات دیگر، از جمله اختراع ماشین بخار داشت؟

## ۶. هوقطب اصلی انقلاب صنعتی

کارگر و بورژوازی ۱۰ پیدایش ماشین‌ها و کارخانه‌ها، سبب تنزل پیشه‌وری و کارهای دستی شد. بدنبال تکامل سرمایه‌داری، بورژوازی خرده‌پا درهم می‌ریخت و شکل می‌گرفت. توده‌های اصلی بورژوازی خرده‌پا (زمینداران

کوچک، پیشه‌وران، روستاییان مزدبگیر) از هستی ساقط می‌شدند و به جمع کارگران می‌پیوستند. ده‌ها سال بعد، تولید کارخانه‌یی برتری یافت، پیشه‌وری و کاریدی از میان برداشته شد. دو جبهه‌ی مخالف و متخاصم بورژوازی و کارگر پدید آمد.

بورژوازی در میان طبقات حاکم، نفوذ روزافزونی کسب می‌کرد. روستاییان پس از انقلاب سده‌ی هفدهم، می‌توان گفت که بالکل از هستی ساقط شده بودند. پیشه‌وران نیز که قادر به رقابت با ماشین نبودند، کم‌کم به کارگران مزدبگیر تبدیل می‌شدند.

در کارخانه‌های نخستین، ماشین‌های ساده به کار گرفته می‌شد. کارگران مسن از سوی هجوم کارگران بچه سال و زنان تحت فشار بودند. در انگلستان تا دو سوم کارگران کارخانه‌های تولیدی در نخستین سال‌های انقلاب صنعتی، کودکان و زنان بود.

کار در روز، ۱۵-۱۲ ساعت و حتا بیشتر بود. کودکان را باشلاق می‌زدند. در کله‌ی یک پسر بچه در نتیجه‌ی ضربات چندین شیار ایجاد شده بود. او بعدها درباره‌ی کار خود در کارخانه چنین گفته است:

«گرچه ماشین‌ها زیاد بزرگ نبودند، اما چون قد من کوتاه بود، دستم به آن‌ها نمی‌رسید. به همین جهت دو جفت کفش چوبی بلند ساخته بودم که من را روی آن سوار می‌-

کردند. تاروژی که به حد کافی قد بکشم، روی همین کفش‌ها کار می‌کردم. ولی ناراحتی من از رفتار بد آدم‌ها بود که نشانه‌های آن هنوز بر روی تنم باقی مانده است.»

در کارخانه‌ها، کارگران را بی‌رحمانه استثمار می‌کردند. کارفرما از کارگران خود روزی ۱۲ ساعت کار می‌کشید. تولید ۶ ساعته‌ی هر کارگر، برای زندگی فقیرانه‌ی خود و خانواده‌اش کافی بود. بعدها کارگر با ۶ ساعت کار کارخانه‌دار سرمایه‌دار را دارا تر می‌کرد.



کار زنان در کارخانه‌ی انگلیسی

اوضاع پیشه‌وران و کارگران به صورت اسفناکی درآمده بود. آنان خیال می‌کردند که ماشین سبب فلاکتشان

است. هم از این رو دست به خرابکاری می‌زدند و ماشین‌ها را از کار می‌انداختند. «خرابکاری ماشین‌ها» همزمان با پیدایش کارخانه‌های ماشینی ایجاد شد. ولی این پدیده، بعدها در انگلستان و در سال‌های ۱۸۱۱-۱۸۱۲ در نوتینگام شدت گرفت. در این‌جا، کارگران خود را به يك شخصیت افسانه‌یی به نام «لود» منسوب ساخته، خود را «لودیت» نامیدند (اکنون روشن شده است که شخصیتی به نام لود وجود خارجی نداشته است).

دو قطب اصلی انقلاب صنعتی. انقلاب صنعتی یعنی انتقال کار در کارخانه‌ها و پیشه‌ها از انسان به ماشین. ولی، این دگرگونی، تنها در اختراع‌ها و ایجاد ماشین‌ها خلاصه نمی‌شود. نتیجه‌ی اصلی آن پیدایش دو طبقه‌ی نوین بنیادی جامعه‌ی بشری است.

بورژوازی - یعنی مالکان کارخانه‌ها - به استثمار کارگران مزدبگیر که برای فرار از مرگ و گرسنگی پیش سرمایه‌داران کار می‌کردند، می‌پرداختند.

انقلاب صنعتی دو قطب بنیادی داشت: - «قطب تکنیکی»؛ یعنی اختراع و به‌کار انداختن ماشین‌ها و: - «قطب اجتماعی»؛ یعنی پیدایش بورژوازی و طبقه‌ی کاملاً نوینی به نام کارگر که از مالکیت محروم و به‌الفاء هرگونه استثمار راغب بود.

بدین‌گونه می‌بینیم که انقلاب صنعتی نه تنها در

«نیروی تولید» بلکه در «مناسبات اجتماعی» نیز دگرگونی ایجاد کرد.

نیروها و مناسبات تولید. انسان‌ها ضمن استحصال نعمت - های ضروری زندگی، از ابزار کار - ابزار و ماشین‌ها - استفاده می‌کردند. انسان‌ها کار خود را هم بر روی اشیاء طبیعت مثلا خاک، و هم به اجسام کار، یعنی فلز و زغال - سنگ و درخت و جزاین‌ها اعمال می‌کردند. ابزار و اجسام کار، در واقع «وسایط استحصال و تولید» بودند. اجسام کار بتدریج دگرگون می‌شد، و ابزار کار نیز به درازای تاریخ تکامل انسان‌ها - از ابزار کار ساده‌ی آدمیان نخستین تا اختراع ماشین‌ها - تغییر می‌یافت. تغییر ابزار کار، در زندگی اجتماعی دگرگونی بزرگی حاصل می‌کرد.

ولی از سویی تولید با خود انسان‌ها و شیوه‌ی کار آنان نیز وابستگی داشت. زحمتکشان نیز بخشی از نیروی استحصال بودند. بدین‌گونه می‌توانیم بگوییم که نیروهای تولید عبارت از وسایط تولید، به عبارت دیگر ابزار کار، خود انسان‌ها و مهارت و شیوه‌ی کارشان بودند.

نه تنها درجه‌ی حاکمیت انسان بر طبیعت و استحصال کاری اجتماعی، بلکه مناسبات طبقات و گروه‌های گوناگون اجتماعی نیز در درجه‌ی تکامل نیروهای تولید نقش داشت. انسان پیوسته در شرایط اجتماعی معینی استحصال

می‌کند: برده زحمت می‌کشد و خود از آنجا که ملك برده‌دار است، حاصل زحمت خود را به صاحبش می‌دهد. کشاورز سیستم فئودالی، بخش اعظمی از نیروی کار خود را در اختیار فئودال می‌گذارد، در سرمایه‌داری نیز کارگران با نیروی کار خود سرمایه‌دار را دارا می‌کنند.

بدین‌گونه در تولید و در سرتاسر حیات اجتماعی، وضع زحمتکشان به درجه‌ی تکامل تولید، مالکیت، زمین، ابزار کار، کارخانه‌ها و جز آن و مناسبات تولیدی بستگی دارد. در روند تولید، مناسبات تولیدی بمتابهی مناسبات انسان‌ها با هم است. بنیاد آن را مالکیت براساس مالکیت تولید تشکیل می‌دهد.

مالکیت ویژه‌ی استثمارگران است و در این حال، آنان زحمتکشان را وادار به کار برای خود می‌کنند و در سرتاسر حیات اجتماعی موقعیتی حاکم دارند. ولی مالکیت و سایط تولید می‌تواند مالکیتی عمومی و همگانی باشد. در آن حال زحمتکشان خود سرور خویشتن هستند و مسالهی توزیع تولید و محصول را نیز، خود حل می‌کنند.

تاریخ نشان می‌دهد که در پله‌های گوناگون تکامل، در جوامعی که طبقات متخاصم و دشمن وجود داشته، آن مناسبات تولیدی که در موقع خود سبب پیشرفت جامعه بوده، بتدریج کهنه و سبب لنگی نیروهای مولد و مانع پیشرفت جامعه می‌شود.

مثلا بهنگام گذر از جامعه‌ی برده‌داری به جامعه‌ی فئودالی، مناسبات تولیدی فئودالی و زمینداری به تکامل

جامعه مدد می‌کرد. ولی وقتی سیستم پیشرفته‌ی سرمایه‌داری در بطن فئودالیسم پیدا شد، مناسبات فئودالی کهنه گشت و در برابر روند کار مزدورانه و افزایش کارگاه‌ها و کارخانه‌ها مانعی ایجاد کرد.

به دیگر سخن، درپله‌های تکامل اجتماعی، میان نیرو-های مولد نوین و مناسبات اجتماعی کهنه شده، نیز میان نهادها، ضابطه‌ها و اندیشه‌های قدیمی تضاد ایجاد می‌شود. در این برخورد، تکامل نیروهای نوین مولد، سبب پراکندگی و محو مناسبات کهنه‌ی تولید می‌شوند.

### پرسش

۱- وضع کارگر را در سیستم سرمایه‌داری با وضع رعیت در سیستم فئودالی مقایسه کنید. ۲- دو قطب انقلاب صنعتی را نام ببرید. ۳- میان انقلاب سده‌ی هفدهم انگلستان با انقلاب صنعتی چه روابطی هست؟ ۴- نیروهای مولد یعنی چه؟ ۵- مناسبات تولید چیست؟ ۶- میان نیروهای مولد با مناسبات تولید چه روابطی هست؟ این روابط را در بطن انقلاب بورژوازی انگلستان شرح دهید.

## تمرین

۱- جدول مقایسه‌ی خانه‌های کاراشتراکی، کارگاه‌های فئودالی و کارخانه‌های سرمایه‌داری را پر کنید:

کارخانه‌ی سرمایه‌داری	کارگاه فئودالی	خانه‌ی کار اشتراکی اولیه	
			۱- تقسیم کار (هست یا نه؟) ۲- کیفیت کار (کار بآدم‌هاست یا با ماشین؟) ۳- کار در برابر مزد (هست یا نه؟)

۲- جدول زیر را پر کنید :

ماخترع‌های مهم تولید ماشینی در انجام سده‌ی ۱۸ و آغاز سده‌ی ۱۹ در انگلستان .

مخترع	نام ماشین	تاریخ

۳- ویژگی تکنیک در زمینه‌ی صنایع حمل و نقل در انقلاب صنعتی را بیان کنید. با استفاده از متن و تصویرهای کتاب دگرگونی‌های تکنیکی در دهه‌ی اول انقلاب صنعتی را در انگلستان شرح دهید.

## فصل ۲

# جنگ در راه استقلال مستعمره‌های انگلستان در امریکای شمالی و پیدایش ایالات متحد

### ۷. مستعمره‌های انگلستان در امریکا

سرخپوستان و کولونیست‌ها . می‌دانید که در اوایل سده‌ی هفدهم، انگلیسی‌ها، کولونی‌هایی در امریکای شمالی - سرزمین سرخپوستان - تشکیل دادند.

قبیله‌های سرخپوست به صورت جامعه‌ی اشتراکی آغازین می‌زیستند و به شکار، و گه‌گاه به کشاورزی می‌پرداختند. آنان با نخستین گروه‌های مهاجران اروپایی با استقبال روبرو شدند. ولی مهاجران با بومیان رفتاری بی‌رحمانه داشتند. زمین‌های آنان و نیز پوست آهو، خوک و بزکوهی را به قیمت‌های بسیار نازل و ناچیزی از دستشان



از نخستین برخوردهای مهاجران انگلیسی با بومیان امریکا در اواخر  
سده‌ی هفدهم.

می‌گرفتند. مثلاً هلندی‌ها جزیره‌ی «مانهتن» که اکنون  
شهر نیویورک را تشکیل می‌دهد، جمعاً به ۲۴ دلار که در  
وجه آن نیز مشتی چاقو و منجوق دادند، خریدند. اما بسیاری  
اوقات، کولونیست‌ها به جای آن که پول خرج کنند، به  
سرخپوستان هجوم می‌بردند، آنان را از مناطقی که می‌-  
راندند و پوست‌های گرانبه‌ای را از چنگشان درمی‌آوردند.



تجارت کالا به کالا (شکارچی فرانسوی و سرخپوست)

استعمار انگلیس مخصوصاً برای سرخپوستان بسیار فلاکت انگیز بود.



استحکامات آمستردام در جزیره‌ی مانهتن (بعدها نیویورک).

در سال ۱۶۴۰ نمایندگان مهاجران انگلیسی در امریکای شمالی تصمیم گرفتند که همه‌ی زمین‌های سرخپوستان را صاحب شوند و برای این منظور قطعنامه‌ی صادر کردند. در این قطعنامه گفته می‌شد:

۱- زمین و آنچه که در آن است از آن خداست (پذیرفته شد).

۲- خدا زمین و آنچه را که در آن است خود به بندگان برگزیده‌اش می‌بخشد (پذیرفته شد).

۳- ما بندگان برگزیده‌ی خدا هستیم (پذیرفته شد).

بدین‌گونه این استعمارگران نژادپرست، توانستند سرزمین آبا و اجدادی سرخپوستان را از چنگ آنان در بیاورند.

هزاران روستایی انگلیسی و ایرلندی که از زمین محروم می‌شدند، با دشواری‌هایی باورنکردنی، به امریکا فرستاده می‌شدند. انگلیسی‌هایی که به امریکای شمالی کوچ می‌کردند، در سواحل اقیانوس اطلس به مهاجران فرانسه‌یی وهلندی و اسپانیایی برمی‌خوردند. مهاجران فرانسه‌یی در کانادا و سواحل رود می‌سی‌سی‌پی اسکان گزیده بودند. ولی کولونیست‌های انگلیسی همراه توده‌ها مهاجرت می‌کردند. چراکه روند محروم شدن روستاییان انگلیسی از زمین، بشدت ادامه داشت. تکامل صنایع در فرانسه و اسپانیا، لنگ بود. در آنجا گروه‌های دهقانی از زمین رانده نمی‌شدند و بنابراین کوچ روستاییان هم معنی نداشت.

انگلستان، هلندی‌ها و فرانسویان را از امریکای شمالی می‌رانند. در سده‌های هفدهم و هیجدهم انگلستان علیه هلند و فرانسه، رقیبان استعماری خود وارد جنگ شد. انگلستان به مدد مهاجران انگلیسی که در امریکای شمالی اسکان گزیده بودند، در این جنگ پیروز شد. سپاهیان انگلیسی، هندو در امریکای شمالی را به جنگ آوردند و این مستعمره را «نیویورک» نامیدند.

پادشاهان انگلستان، املاک زیادی در امریکای شمالی به لردهای خود می‌بخشیدند. اشراف انگلستان در امریکا کاخ‌ها بنا می‌کردند و از روستاییان مالیات‌های گوناگون می‌خواستند. ولی مهاجران به سمت غرب روانه می‌شدند و در آنجا زمین‌های سرخپوستان را غصب می‌کردند.

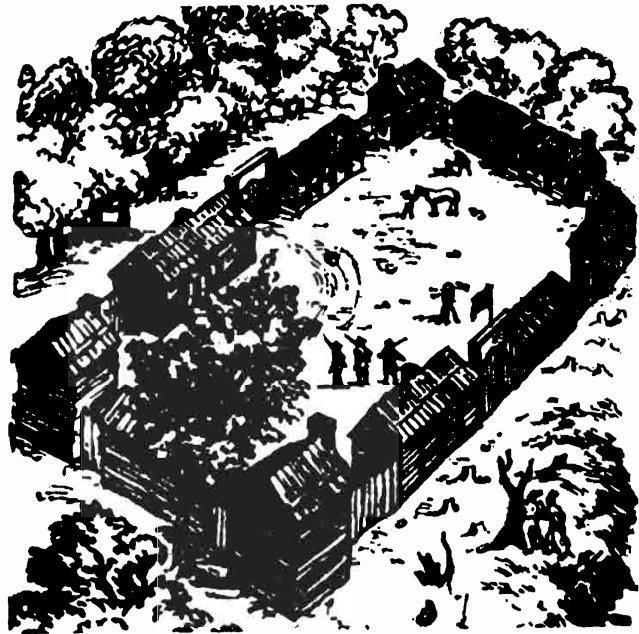
بردگی پلانتاسی<sup>۱</sup> امریکاییان نوین، بومیان - یعنی سرخپوستان - را نابود و یا مجبور به ترک سرزمین‌های خود می‌کردند و برده از افریقا می‌آوردند. بردگی «رسوا ساز» در امریکا بیش از جاهای دیگر رواج گرفته بود.

زنگیان را به زنجیر می‌کشیدند و به امریکای شمالی اعزام می‌کردند. در آنجا، آنان را در بازارهای برده‌فروشان به مزایده می‌گذاشتند و حراج می‌کردند. برده‌ها بخصوص در مستعمره‌های جنوبی بیشتر بودند که در پلانتاسی‌ها برنج و توتون می‌کاشتند. برده‌ها زیر نظر نگهبانی که در

---

۱- کشتزارهای روستایی

دست تازیانه داشت کار می کردند. نگهبانان با برده ها رفتاری خشونت بارداشتند. اگر برده از پلانتاسی فرار می کرد، با سگ ها به دنبالش می افتادند و می گرفتند. پس از آن که او را گرفتند، دست هایش را قطع می کردند و قیر داغ بر آن می ریختند و سپس بردار می زدند.



محل اسکان درسا  
در ۱۷۷۵ در غرب.

مستعمردهای جنوب . در مستعمره های شمالی، بخش اعظم اهالی را فارمرهای روستایی و مالکان خرده پا تشکیل می دادند. در آنجا، تجارت، پیشه و کارگاه های نظیر کارگاه های کتان، پشم، چرم و جز این ها بسرعت رو به تکامل می نهاد. برای تأمین ابزار کار کشاورزی و تهیه ی اسلحه، مصنوعات فلزی تولید می کردند. از پیشه های انبوه استفاده می کردند، کشتی ها و خانه های چوبی برای فروش می ساختند.

شورش مستعمره‌ها علیه انگلستان . پارلمان انگلستان که از بورژوازی انگلیس در مقابل رقیبان خود دفاع می‌کرد، می‌کوشید در مستعمره‌های امریکایی بازرگانی و پیشه‌وری را محدود کند. پارلمان، تأسیس کارخانه‌های فلزسازی و پارچه‌بافی را در امریکا قدغن کرد. و سفارش نمود که این مصنوعات را بطور آماده از انگلستان ببرند.

پادشاه انگلیس، بخاطر بیگاری روستاییانی که در زمین‌های اشراف انگلستان بودند، در سال ۱۷۶۳ مهاجرت به سوی غرب را ممنوع اعلان کرد. فارم‌های بی‌چیز و کارگران به‌هیجان آمدند. ولی کولونیست‌ها زمین‌های مالکان عمده را غصب می‌کردند و علیه حکومت‌های استعماری بارها شورش برپا می‌نمودند.

در سال ۱۷۶۵ پیرامون عوارض «گرب» قانونی گذرانده شد. این عوارض را از همه‌ی معامله‌های تجاری



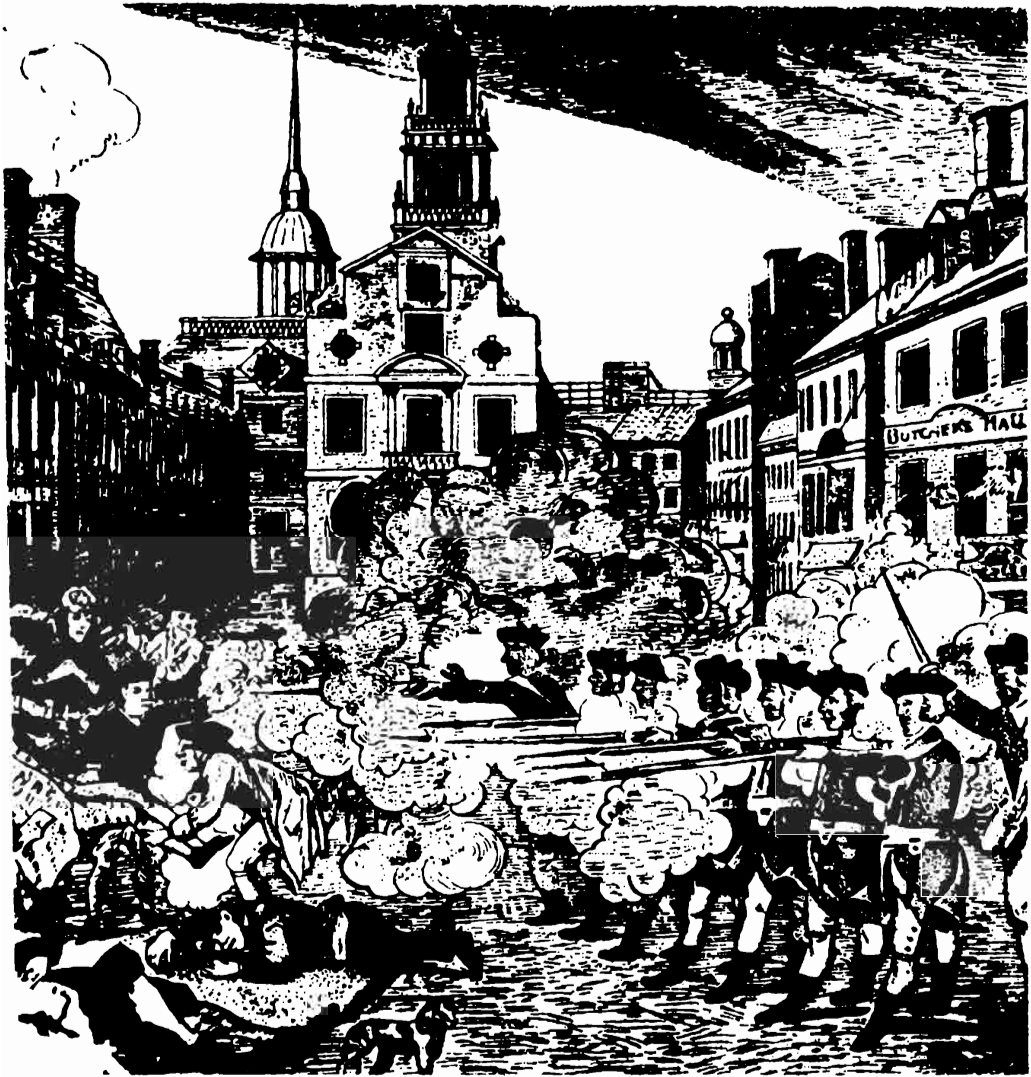
میتینگ کولونیست‌ها علیه عوارض گرب.

می گرفتند. حتا برای هر شماره از روزنامه نیز اخذ می کردند. اهالی مستعمره ها می گفتند که چون در پارلمان انگلستان نماینده ندارند، پارلمان حق ندارد بر مستعمره ها عوارض و مالیات ببندد.

عوارض گرب در بوستون و دیگر مستعمره ها سبب شورش شد. ماموران مالیات را می گرفتند، به تنشان قیر می مالیدند، توی انبوه مو و پشم غلت می دادند و سپس به چوب های بزرگی می بستند و رقص کنان در ارا به ها حمل می کردند و جسدشان را بردار می آویختند. وسایل خانه شان را نیز آتش می زدند. این مقاومت چنان ریشه دو انید که انگلستان مجبور شد، قانون عوارض گرب را لغو کند. ولی بعد، پارلمان مالیات های جدیدی وضع کرد و سپاهی به امریکای شمالی فرستاد.

در این موقع بود که حادثه ی معروف به «قتل عام بوستون» روی داد. ماجرا چنین آغاز شد: کودکانی که در کنار ساختمان گمرک بازی می کردند، به سربازان انگلیس چند گلوله ی برفی انداختند. مردم به تماشا جمع شدند. افسران انگلیسی ماشه های تفنگ ها را کشیدند و چند نفر را به قتل رسانیدند.

بازرگانان انگلیسی در سال ۱۷۷۳ مقادیر زیادی چایی به بوستون آورده بودند. این بار پارلمان گمرک صدور چایی به امریکا را لغو کرد، ولی عوارض کمی بر آن نهاد.



تیرباران اهالی بوستون در سال ۱۷۷۰ از سوی قشون انگلیس.

ولی ساکنان مستعمره این حق را بر آنان نپذیرفتند. اهالی بوستون که جامه‌های سرخپوستان برتن داشتند به کشتی‌ها حمله ور شدند و چایی‌ها را به دریا ریختند. مردم بوستون خود به این حادثه «مهمانی چایی در بوستون» نام داده‌اند. پس از این حادثه، انگلستان برای مجازات عاملان آن،

تجارت بندر بوستون را تعطیل کرد. و این خود بهانه‌ی دیگری برای دامن زدن به آتش عصیان بود.

در سال ۱۷۷۴ در فیلادلفیا، بزرگ‌ترین شهر آن سرزمین کنگره‌ی ترتیب یافت و همه‌ی مستعمره‌ها نمایندگان خود را به آنجا گسیل داشتند. کنگره از پادشاه انگلستان می‌خواست که محدودیت در تجارت و صنعت را از میان بردارد. همچنین کولونیست‌ها تقاضا داشتند که مالیات‌ها و عوارض با توافق خودشان وضع شود. پادشاه در پاسخ آنان برای درهم‌کوبیدن این «قیام» امر به اعزام سپاه داد و تابعیت همه‌ی مستعمره‌ها را خواستار شد.



پاول پیور

آغاز جنگ . در بهار سال ۱۷۷۵ میان سپاهیان پادشاه

انگلستان و کولونیست‌ها جنگ رخ داد. انگلیسی‌ها از بوستون دو هنگ از قشون پادشاه انگلستان اعزام کرده بودند که بی‌سروصدا تمام تجهیزات مخفیانه‌ی جنگی کولونیست‌های امریکایی را تصرف کنند. سربازان سرخپوش انگلیسی وقتی آغاز به حرکت کردند، متوجه شدند که آگاهی‌های جنگی از طرف کسی به مردم ابلاغ شده است، و واقعاً هم «پاول ریور» رئیس کشفیات کمیته‌ی انقلاب بوستون داد زنان از بوستون فرار می‌کرد. وقتی سربازان انگلیس به راه می‌افتادند، زنگ‌ها به صدا درمی‌آمد و آتش می‌بارید. در راه سپاهیان پادشاه کسانی را که در یک لحظه به سروصدا جمع شده بودند، قتل‌عام کردند. سپاهیان پادشاه انبارهای اسلحه را تصرف کردند. ولی موقع بازگشت، فارمرها و کولونیست‌ها از پشت درخت‌ها و خانه‌ها آنان را به آتش کشیدند. بدین‌گونه سربازان اسیر تاکتیک جنگی پراکنده‌ی اهالی شدند.

چون باروت و سرب کم بود از لایه‌های سرب که از پشت بام‌ها کنده بودند، سودمی جستند. بعدها حتماً جسمه‌ی پادشاه انگلستان را هم ااره کردند. سرب‌ها را خیلی کم توزیع می‌کردند و هر سرباز باندازه‌ی گنجایش تفنگ خود سرب می‌گرفت.

کنگره جورج واشنگتن (۱۷۹۹-۱۷۳۲) نماینده‌ی ورجینیا را که به‌عنوان هواخواه آزادی مستعمره‌ها از



شورش مردم در انگلستان

اسارت انگلیس شهرت یافته بود، به سرفرماندهی نیروهای جنگی مستعمره‌ها برگزید.



جورج واشنگتن

مستعمره‌ها بنا به خواست بازرگانان و پیشه‌وران،  
فارم‌ها و کارگران کم‌کم اعلان جدایی از انگلستان کردند.

### پرسش

- ۱- سرخپوستان در فرهنگ مهاجران اروپایی چه تأثیری برجای نهادند؟
- ۲- چرا اشراف زمیندار انگلیسی نتوانستند در مستعمره‌های امریکایی از مردم بیگاری بگیرند.
- ۳- چرا استعمارگران انگلیسی بخلاف استعمارگران فرانسوی سرخپوستان را از زمین‌های خود می‌رانند؟
- ۴- میان شیوه‌ی تولید شمال و جنوب چه فرقی بود؟
- ۵- دلیل‌های بنیادی شورش مستعمره‌های انگلیسی چه بود؟

## ۸. جنگ استقلال

اعلام استقلال مستعمره‌ها . در چهارم ژوئن سال ۱۷۷۶،  
کنگره تحت «تضییق» توده‌ها «بیان‌نامه‌ی استقلال» یعنی  
جدایی از انگلستان را پذیرفت.

توماس جفرسان (۱۷۴۲-۱۸۲۶) تنظیم‌کننده‌ی این  
بیان‌نامه، پیشروترین اندیشمند زمان خود و خادم‌سیاسی  
نامبرداری بود. وی عضو مجلس قانون‌گذاری بود و علیه  
بردگی مبارزه می‌کرد. وی پادشاه انگلستان را هجو کرده  
بود، و از همین‌رو در آن کشور به زندان افتاده بود.

در «بیان‌نامه‌ی استقلال» گفته می‌شد که انگلستان  
به مستعمرات خود در آمریکا ستم روا می‌دارد و هم از این‌رو



توماس جفرسن

اتحادیه‌ی مستعمره‌ها درخواست جدایی از انگلستان را می‌کنند و دولت مستقلی تشکیل می‌دهند. تلاش برای دست یافتن به آزادی و سعادت حق مسلم آنان است. در بیان‌نامه گفته می‌شد که مردم خود حق دارند تشکیل دولت دهند، به عبارت دیگر مردم منشأ حاکمیت هستند. این ادعا از سوی مردم علیه امپراتوری انگلستان بیان می‌شد. از سوی دیگر علیه ستم استعماری نیز بود. این بیان‌نامه، از تساوی انسان‌ها و ملت‌ها دفاع و اعلام جمهوری می‌کرد. بدین‌گونه بانیان جمهوری آمریکا، ستم استعماری و مستعمره‌طلبی

رانکوهش می‌کردند.

ولی بورژوازی از ایده‌های مترقی این «بیان‌نامه» تنها به سود داراییان و سروران سوءاستفاده کرد. بردگی الفاء نشد و جلوی راندن سرخپوستان از زمین‌های خودشان را نگرفت. مستعمره‌های قبلی اینک خود را «ایالت»<sup>۱</sup> نامیدند، و اتحاد آن‌ها را «ایالات متحد آمریکا» نام نهادند. ادامه‌ی جنگ. جنگ تا سال ۱۷۸۲ ادامه داشت. انگلیس‌ها توانستند، فیلادلفیا پایتخت تجزیه‌طلب مستعمره‌ها را تصرف کنند. سربازان آمریکایی گرفتار قحطی و گرسنگی زمستان شدند. اسلحه، پول، کفش و لباس کافی نبود. سپاهیان واشنگتن بر سر راه خود بر روی



سپاهیان واشنگتن در زمستان

---

1. state

برف و یخ ردخون برجای می گذاشتند.  
واشنگتن در اردویی متشکل از پیشه‌وران و فارمرهای  
تعلیم ندیده، بدشواری نایل به برقراری نظم می‌شد.  
نیروهای اساسی کولونیست‌ها، فارمرها و پیشه‌وران  
بودند. سردمدار مبارزه علیه سپاهیان پادشاه انگلستان،  
بورژوازی انقلابی بود.

پادشاه انگلستان برای افزایش افراد سپاهی خود، از  
شاهزادگان آلمان، ۳۰ هزار سرباز خرید و همه را به آمریکا  
گسیل داشت. از کاترین دوم تزار روس نیز طلب ۲۰ هزار  
سرباز دیگر کرد، ولی کاترین بسبب درگیری‌های داخلی  
و درهم کوبیدن شورش «پوکاچف» نتوانست این تقاضا را  
عملی کند.

آمریکایی‌ها از دشمنی دیرین میان انگلستان و  
فرانسه دو دولت استعمارگر پیشین سودجسته بافرانسه  
متفق شدند. کنگره‌ی ایالات متحد، بنیامین فرانکلین را  
که در تنظیم «بیان‌نامه‌ی استقلال» یاری کرده بود و  
دیپلمات اجتماعی نامبرداری بود جهت اخذ کمک از فرانسه  
به پاریس گسیل داشت. دوایر پیشرو فرانسه، رغبت  
زیادی به کمک به مبارزه‌های استقلال آمریکا نشان داد.

مثلاً لافایت از اشراف معروف، به خرج خود کشتی  
ساخت و آن را ویکتور (= پیروزی) نام نهاد و باهمان  
کشتی به آمریکا روانه گشت و داخل درگروه‌های مبارز شد.



بنیامین فرانکلین

در سال ۱۷۸۱ سپاهیان انگلیس در نزدیکی «یورک تاون» تسلیم و اشنگتن شدند. در سال ۱۷۸۳ قرارداد صلح امضاء شد. انگلیس‌ها استقلال مستعمره‌ها را پذیرفتند. ۱۰۰ هزار اشراف انگلیسی و اعضای خانواده‌ی آنان از آمریکای شمالی رانده شدند و زمین‌هایشان مصادره و فروخته شد. این مبارزه‌ی استقلال، به دیگر سخن «انقلاب

مردم آمریکا علیه قلدران ستمگر واستعمارگر انگلیسی «  
چنین پایان یافت.

بدین گونه، در زمان جنگ انقلابی ومبارزه های  
طبقاتی، حاکمیت در ایالات متحد آمریکا از دست يك طبقه  
به طبقه یی دیگر انتقال یافت. زمینداران اشراف شمال،  
جای خود را به بورژوازی تجارت و پیشه داد که به کمک  
قانون گزاران جنوبی به اداره ی کشور پرداختند.

این، بدان معناست که در ایالات متحد آمریکا، انقلاب  
بورژوازی رخ داده، جمهوریت تشکیل شده بود و تساوی  
همه در برابر قانون اعلام شده بود و بردگی اندک اندک  
الغاء می شد. ولی برده داران و سرمایه داران از پیروزی  
مردم برای استحکام بخشیدن به حاکمیت خود استفاده  
می کردند.

شورش شیث (سال های ۱۷۸۷-۱۷۸۶). جنگ بسیاری از  
فارمرها را از هستی ساقط کرد. پس از اتمام جنگ، دولت  
مقروض افتاده بود که از راه افزایش مالیات ها بر دوش  
فارمرها می خواست قرض های بی شمار خود را ادا کند.  
آنهایی هم که نمی توانستند مالیات ها را پرداخت کنند،  
مجبور می شدند گاو و گوسفند، خانه وزمین خود را  
بفروشند. تحت این تضحیقات، برخی از فارمرها و  
پیشه وران و بینوایان شهری در شمال سر به شورش  
برداشتند. رهبر شورشیان، «دانیال شیث» بود که در جنگ

استقلال نیز شرکت داشت. شورشیان که عبارت از ۱۵-۱۲ هزار تن بودند، در سپتامبر سال ۱۷۸۶ دست به اسلحه بردند. خواست آنان این بود که مالیات‌های فارمرها بخشوده شود و از فروش اموال و اثاث و حیوانات آنان دست بردارند.



شورش دانیل شیث.  
تصرف ساختمان دادگاه  
از سوی شورشیان تصویر  
شده است. شیث دست  
به کمر بر روی پله  
ایستاده و مانع ورود  
افراد هیئت حاکمه به بنا  
می‌شود.

در این شورش، فارمرهای بی‌چیز، طبقات پایین شهری، کارگران کارگاه‌ها، روزمزدها، پیشه‌وران و جز این‌ها خواست‌های خود را اعلان کردند. برخی از شورشیان می‌خواستند که دارایی ثروتمندان را به تساوی میان ناداران تقسیم کنند و داراییان را نیز مانند افراد عادی به کار بگمارند. سپاهیان ایالات متحد آمریکا، پس از شش ماه توانستند این شورش را درهم کوبند بورژوازی

شمال و برده‌داران جنوب، خودپنهانی از مردم در سال ۱۷۸۷ تشکیلاتی درست کردند که اکنون نیز به قوت خود باقی است.

قانون سازمان دولتی پس از اعلام استقلال، هریالت برای خود نیروی مسلح، مالیه و مرز گمرک تعیین کرد. این ایالت‌ها که تقریباً مستقل بودند، نمایندگان خود را به کنگره‌یی که چندان قدرتی نداشت، می‌فرستادند.

بنابه سازمان و تشکیلات سال ۱۷۸۷، حاکمیت مرکزی نیرومندتر شد. ولی ایالات در مسایل داخلی کاملاً مستقل شدند.

بنابه قانون تشکیلات، رئیس جمهور هر چهار سال یک بار برگزیده می‌شود و دولت حکومت را رهبری می‌کند. و اشنگتن نخستین رئیس جمهور بود.

قانون‌ها را کنگره تصویب می‌کرد و رئیس جمهور تأیید می‌نمود. کنگره عبارت از دو مجلس بود: مجلس نمایندگان که از هریالت، به نسبت تعداد مردم آن‌ها تعیین می‌شدند، و مجلس سنا که از هریالت دو تن سناتور داشت. قانون تشکیلات آمریکا، به حکمروایی برده‌داران و بورژوازی بزرگ نیرو بخشید. برخی از ادعاهای این قانون و نیز قانون ایالت‌ها علیه منافع مردم بود. می‌توان گفت که در همه‌ی ایالت‌ها، برای اخذ حق رأی، مالکیت زمین یا سرمایه لازم بود. زنان، برده‌ها و سرخپوستان از

حق انتخاب محروم بودند.

«قانون حقوق» در سال ۱۷۹۱ به قانون تشکیلات افزوده شد. طبق این قانون حق آزادی تشکیل جمعیت، آزادی کلام و وجدان یعنی آزادی در تعیین دین و یا امتناع از آن برای همه‌ی اهالی تأمین شد. زندانی کردن کسی بدون دردست داشتن قرار بازداشت از دادگاه ممنوع گشت.

این آزادی‌ها همیشه بر روی کاغذ بوده است.

«دیوان عالی» که اعضای آن مادام‌العمر برگزیده می‌شدند، می‌توانستند هر قانون آمریکایی را برضد «قانون تشکیلات» اعلام و آن را لغوکنند. دیوان عالی ایالات متحد بارها در جنگ‌های داخلی به سود برده‌داران و بورژوازی وارد نبرد شده بود. به کمک آن، سرمایه‌داران آمریکایی بارها اعتصاب‌های کارگری را غیرقانونی اعلام کرد و کارگران انقلابی را شدیداً مجازات کرد.

زمین‌هایی که در گذشته از آن سرخپوستان بود، به مالکیت دولت نوین درآمد و به معرض فروش گذاشته شد. در آمریکای شمالی تحت نام «حکومت مردم»، دموکراسی بورژوازی ایجاد شد. و در واقع این، حکومت بورژوازی بود.

«آن.رادشیف» از جنگ استقلال آمریکا تحسین می‌کند. ولی ضوابط سرمایه‌داری آمریکایی را افشاء کرده، وی در سال ۱۷۹۰ نوشته است که: «در آمریکا صدها تن

زندگی پر دبدبه وشکوه آمیز دارند، و هزاران تن دیگر به نان شب محتاج هستند و جایی برای فرار از سرماند دارند». در هر حال، جنگ استقلال، تأثیر عظیمی در پیشرفت ایالات متحد داشت. در نتیجه‌ی آن، مستعمره‌های قبلی انگلستان، تبدیل به جمهوری شدند. انگلستان دیگر قادر نبود مانع تکامل صنایع و تجارت باشد. گمرک‌خانه‌ی مستعمره‌های قبلی و ایالات کنونی، الفاشد، که این‌خود سبب تکامل سریع بازرگانی بود. ولی در جنوب، هنوز بردگی پابرجا بود. می‌توان گفت که این مسأله خود، صد سال بعد سبب بروز جنگ میان شمالیان و جنوبیان شد.

### پرسش

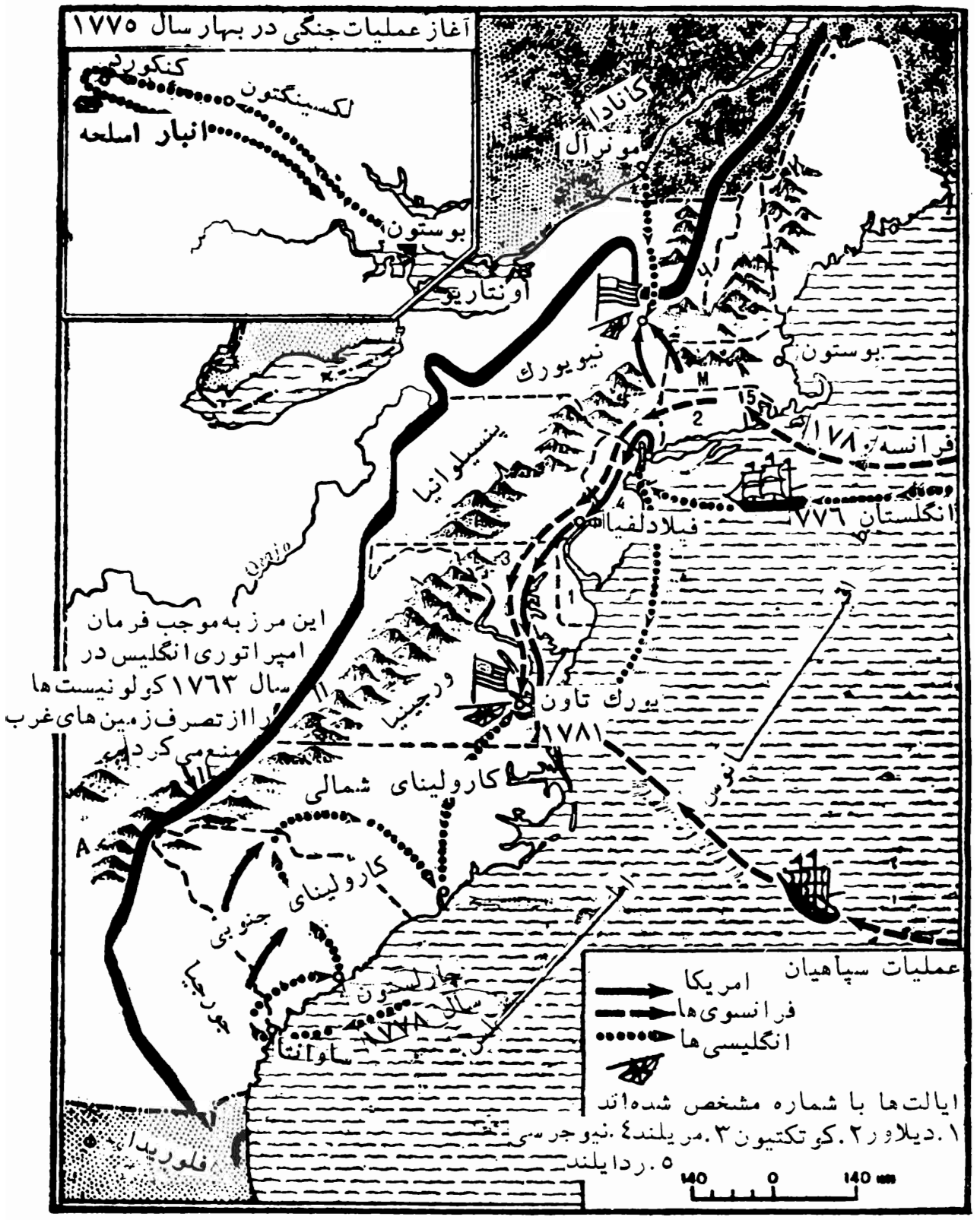
۱- چرا به جنگ مستعمره‌های امریکایی انقلاب بورژوازی می‌گوییم. ویژگی مهم این انقلاب چه بود؟ ۲- نیروی محرکه‌ی انقلاب بورژوازی امریکا (طبقات انقلابی) چه بود؟ کدام طبقه رهبری داشت؟ توده‌های مردم چه نقشی داشتند؟ چه رابطه‌ی میان مسأله‌ی حاکمیت مردم با مسأله‌ی جدایی مستعمره‌های امریکایی از امپراتوری انگلیس وجود داشت؟ ۳- مواد اصلی «بیان نامه‌ی استقلال» چه بود؟ ۴- «بیان نامه‌ی استقلال» در آن زمان چه جنبه‌ی پیشرفته و چه محدودیت‌هایی داشت؟ ۵- نشان دهید که چگونه در انقلاب بورژوازی سده‌ی هیجدهم امریکا (جنگ استقلال) بورژوازی نتوانست توده‌های مردم را دور خود جمع‌کند و پس از پیروزی انقلاب بورژوازی میان بورژوازی و توده‌ها شکاف و جدایی افتاد. ۶- براساس قانون تشکیلات ۱۷۸۷ هیئت حاکمه‌ی ایالات متحده امریکا چگونه سازمان می‌یافتند؟ دموکراسی امریکایی از چه نظر نسبت به حکومت‌های اروپایی مترقی بود؟ ۷- قانون تشکیلات امریکایی، چگونه از منافع بورژوازی و برده‌داری دفاع و حقوق مردم را پایمال کرد؟ جهات عمومی و تفاوت مشترک دو انقلاب بورژوازی امریکای شمالی و انگلستان چه بود؟

## تمرین

- ۱- درباره‌ی اصطلاح‌های زیر توضیح دهید: قانون عوارض گرب، بیان نامه‌ی استقلال، قانون تشکیلات، کنگره‌ی ایالات متحد آمریکا، مجلس سنا، دیوان عالی، زمین‌های غرب.
- ۲- جدول کروئولوژی «حادثه‌های اصلی مبارزه‌ی استقلال در آمریکای شمالی» را رسم کنید.
- ۳- رهبران مبارزه‌ی استقلال را نام ببرید و نقش هر یک از آنان را در مبارزه شرح دهید.



وضع روستاها و زمین‌داری در اواسط سده‌ی هفدهم



جنگ انقلابی امریکای شمالی در سال ۱۷۸۳ - ۱۷۷۵



۱. رود آیلند ۲. کونکیفرت  
 ۳. نیوجرسی ۴. ویلاور

ایالات متحده آمریکا در سال ۱۷۸۳



۶۰۰ هزار تا  
۴ هزار سال  
پیش از میلاد

ساخت جمعیتی نخستین

۴ هزار سال  
پیش از میلاد  
قرن‌های ۳  
و ۴ میلادی  
(قرن پنجم  
در اروپا)



ساخت برده‌داری

قرون قدیم



قرن‌های ۳  
و ۴ میلادی

ساخت فتودالی

قرون وسطا



اواسط سده‌ی  
۱۷ تا سال  
۱۹۱۷

ساخت سرمایه‌داری

تاریخ جدید



قرن بیستم

تاریخ معاصر

رئیس جمهور  
انتخاب کنندگان

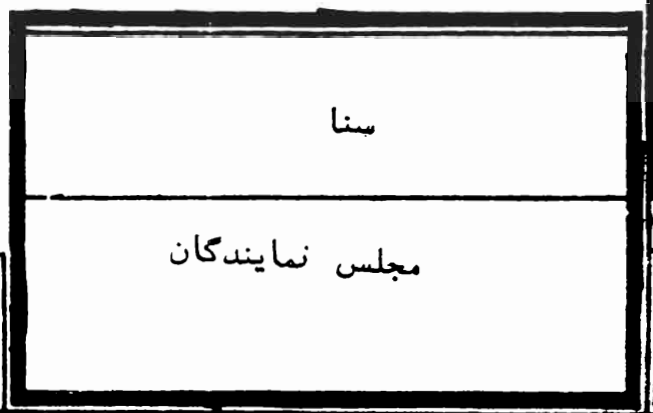
اعضای عالی حکومت در ایالات متحده آمریکا



دادگاه عالی



کنگره



سنا

مجلس نمایندگان



دو سناتور از هر ایالت

نمایندگان قانون  
گذار ایالت‌ها

انتخاب کنندگان  
رئیس جمهور

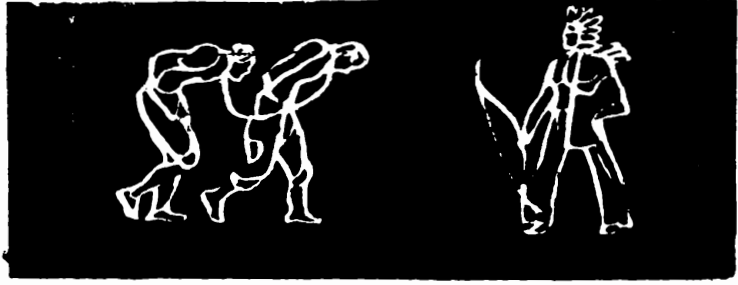
انتخاب کنندگان

محرومین از حق انتخاب

محرومین از حقوق عمومی



زن‌ها



سیاهان

سرخپوستان

جنبه‌ی اجتماعی

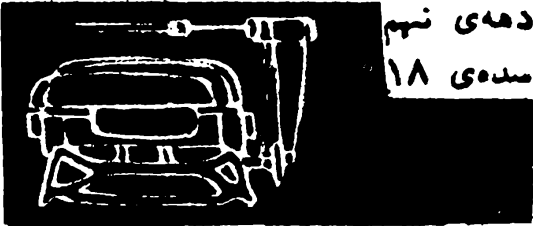
جنبه‌ی فنی



بورژوازی



کارگری



دهه‌ی نهم  
سده‌ی ۱۸

دستگاه بافندگی



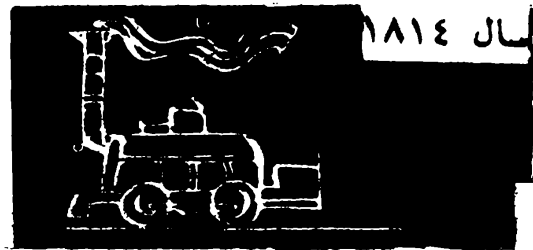
سال ۱۷۸۴

ماشین بخار وات



دهه‌ی نهم  
سده‌ی ۱۸

کارخانه‌های نیروی بخار



سال ۱۸۱۴

لکوموتیو

تقسیم جامعه به دو طبقه‌ی اساسی  
کارگر و بورژوازی

گذر از تولید کارگاه‌های اولیه  
تا کارخانه‌های ماشینی

## فهرست

صفحه	عنوان
۵	چندکلمه
۲۲-۷	پیشگفتار - جهان در آغاز قرون جدید
۹	۱. از جامعه‌ی اشتراکی آغازین تا جامعه‌ی طبقاتی
۱۴	۲. تکامل نابرابر کشورها
	اروپا. امریکا. افریقا. آسیا. مستعمره‌ها
۸۸-۲۳	بخش نخست - آغاز عصر جدید
۶۴-۲۵	فصل ۱- آغاز انقلاب بورژوازی سده‌ی هفدهم و انقلاب صنعتی در انگلستان
۲۵	۱. علت‌های انقلاب
	صنایع و کشاورزی. حکومت امپراتوری
۳۱	۲. آغاز انقلاب. جنگ میهنی
	آغاز انقلاب. شوالیه وکله‌گردها. جنگ میهنی
۳۷	۳. بورژوازی علیه توده‌های مردم
	اصلاحات مهم پارلمان درازمدت. شکاف میان پارلمان و اردو. تساوی خواهان افراطی یا حقیقی.
۴۳	۴. نتیجه‌ها و اهمیت انقلاب بورژوازی انگلستان
	درهم کوبیدن شورش ایرلند. پروتکت‌ها. اهمیت انقلاب انگلستان در سده‌ی هیجدهم
	انقلاب بورژوازی انگلستان در سده‌ی هفدهم در تاریخ اروپا
۴۹	۵. از کارگاه‌های ساده تا کارخانه‌های معظم
	کاردستی. اختراع ماشین‌های کار

- ۵۵      ۶. دو قطب اصلی انقلاب صنعتی  
کارگر و بورژوازی.
- ۸۵-۶۳      فصل ۲- جنگ استقلال مستعمره‌های انگلستان در آمریکای شمالی  
و پیدایش ایالات متحد
- ۶۴      ۷. مستعمره‌های انگلستان در آمریکا  
سرخپوستان و کولونیست‌ها. بردگی پلانتاژی. مستعمره‌های  
جنوب. شورش مستعمره‌ها علیه انگلستان. آغاز جنگ.
- ۶۵      ۸. جنگ استقلال  
ادامه‌ی جنگ. شورش شیث. قانون سازمان‌دولتی



## از انتشارات ققنوس

ترجمه دکتر نورالدین فرهیخته

انسان در لوله آزمایش

دکتر نورالدین فرهیخته

تکامل اجتماعی انسان

یفیموف

انقلاب کبیر فرانسه

ترجمه : ح. صدیق

فلسفه‌ی تکاملی طبیعت و جامعه

ترجمه : ح. صدیق

ابوالفضل قاسمی

سیرالیکارشی در ایران

ابوالفضل قاسمی

علل پیروزی سیاسی اسلام در ایران

ابراهیم صحافباشی تهرانی

سفرنامه دوردنیای صحافباشی

بکوشش ابوالفضل قاسمی

اسماعیل نوری‌علاء

جامعه‌شناسی سیاسی تشیع

اسماعیل نوری‌علاء

جامعه‌شناسی افکار عمومی و تبلیغات

آشارات  
ققنوس  
قیمت ۷۰ ریال

